تجار بابی-بهائی در خدمت امر در عهد قاجاریه: محمدتقی شیرازی وفعالیت‌های تجاری، اصلاحاتی و دیپلماتیک او در ایران و روسیه در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم

سلیمان (سُلی) شاهور[1]
استاد مرکز عزری برای مطالعات ایران و خلیج پارس، دانشگاه حیفا

مقدمه

اگرچه دربارهٔ طبقهٔ تجار ایران در قرن نوزدهم،[2] و برخی تجار مسلمان ایران

---

[1] از استاد فریدون وهمن برای مرور و بررسی متن سپاس‌گزارم.

[2] این پژوهش‌ها شامل اینهاست
C. Issawi (ed.), *The Economic History of Iran, 1800-1914* (Chicago and London: The University of Chicago Press, 1971); W. Floor, *Guilds, Merchants and Ulama in Nineteenth-Century Iran* (Washington DC: Mage Publishers, 2009); G. Gilbar, "The Rise and Fall of the *Tujjār* Councils of Representatives in Iran, 1884-85," *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 51 (2008), 639-674; A. Seyf, "Foreign Firms and Local Merchants in Nineteenth-century Iran," *Middle Eastern Studies*, 36:4 (2000), 137-155;
ق. کرمانی و ق. انصاری رنانی، *تجار دورهٔ قاجاریه* (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱)؛ ح. رهبری، *تجار و دولت در آثار قاجار: از همزیستی تا رویارویی* (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۷)؛ هما ناطق، *بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، بر پایهٔ اسناد امین‌الضرب* (سوئد: خاوران، ۱۳۷۱).

سلیمان (سُلی) شاهور <sshahvar@univ.haifa.ac.il> Soli Shahvar استاد ارشد بخش مطالعات خاورمیانه و اسلام و همچنین رئیس، بنیادگذار و پژوهشگر ارشد مرکز عزری برای مطالعات ایران و خلیج فارس در دانشگاه حیفا است.

پژوهش‌هایی در قالب کتاب‌ها و مقالات فراوان منتشر شده،[۳] ولی هنوز حوزهٔ پژوهشی طبقهٔ تجار غیرمسلمان ایرانی در همین دوره ناکاویده مانده است. آنچه دربارهٔ تجار غیرمسلمان در دست است عمدتاً اشاره‌ای گذرا در روایاتی معمولی دربارهٔ آنان یا گاه مقالاتی به فارسی دربارهٔ تجار زرتشتی و ارمنی است.[۴] تا آنجا که به یهودیان مربوط می‌شود، باید توجه داشت که این جامعه از دوران صفویه به این سو دستخوش تبعیض و محل نفرت بود و اغلب ایرانیان یهودی چاره‌ای جز این نداشتند که به شغل‌هایی مثل رقاصی و مطربی بپردازند که از نظر بیشتر مسلمین غیراخلاقی به شمار می‌آمد و طبعاً اشتغال به کار عمدهٔ تجارت برای ایشان ممکن نبود. ظاهراً برخی تجار یهودی در نواحی سواحل خلیج فارس و مخصوصاً بوشهر نقش مهمی در تجارت داخلی و بین‌المللی داشتند، اما جز چند پژوهش معدود،[۵] تحقیق جامعی در خصوص تجار یهودی دوران قاجار صورت نگرفته است.

دربارهٔ تجار بابی‌ـ بهائی در دوران قاجار نیز پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. کتاب‌ها و مقالاتی که عمدتاً پژوهندگان بهائی در خصوص این بخش از جامعه در دوران قاجار منتشر ساخته‌اند فقط شامل اشاراتی کوتاه به تجار بابی‌ـ بهائی است و فقط معدودی از آنها به جزئیات بیشتری در این زمینه می‌پردازند.[۶] آنچه در این زمینه در دست داریم بیشتر مربوط به دوران اولیهٔ این نهضت یعنی دوران بابیه است که تخمین زده می‌شود ۱۳ درصد از کل جامعهٔ بابی‌ـ بهائی برآمده از طبقهٔ

---

[۳] برای مثال بنگرید به

S. Mahdavi, *For God, Mammon, and Country: A Nineteenth Century Persian Merchant, Haj Muhammad Hassan Amin al-Zarb* (*1834-1898*) (Boulder: Westview Press, 1999); A. Gheissari, "Merchants Without Borders: Trade, Travel and a Revolution in Late Qajar Iran: (the Memoirs of Hajj Mohammad-Taqi Jourabchi, 1907–1911," in *War and Peace in Qajar Persia: Implications Past and Present*, ed. R. Farmanfarmaian (London: Routledge, 2008), 183-212.

[۴] برای مثالی دربارهٔ تجار زرتشتی بنگرید به م. حاجی اکبری، "واکاوی نقش زردشتیان در اقتصاد دورهء قاجاریه با تأکید بر تجارتخانه‌های زردشتی،" *فصلنامهٔ تاریخ نو*، شمارهٔ ۱۱ (تابستان ۱۳۹۴)، ۳-۲۸. برای تجار ارمنی بنگرید به ن. پور محمدی املشی و م. ادیناوند، "واکاوی نقش و جایگاه کمپانی برادران تومانیاتیس در وضعیت اقتصاد تجاری ایران عصر قاجار،" *فصلنامهٔ گنجینهٔ اسناد*، سال ۲۷، شمارهٔ ۳ (پاییز ۱۳۹۰)، ۶–۲۹.

[۵] برای مثال بنگرید به

D. Tsadik, "Nineteenth Century Iranian Jewry: Statistics, Geographical Setting, and Economic Basis," *Iran* 43 (2005), 275-282.

[۶] مخصوصاً بنگرید به

A. Amanat, *Resurrection and Renewal: The Making of the Babi Movement in Iran, 1844-1850* (Ithaca, NY: Cornell University Press, 1989), 339-361; A. Amanat, "The Shaping of the Babi Community: Merchants, Artisans, and Others," in *The Bab and the Babi Community of Iran,* ed. F. Vahman (London: Oneworld Academic, 2020), 101-149.

تجار بوده‌اند،[۷] ولی کاملاً محتمل است که با گسترش تعداد بابیان-بهائیان در ایران و با توجه به اهمیتی که تعالیم بابی‌ـ بهائی به امر تجارت می‌دهد،[۸] تعداد تجار بابی‌ـ بهائی نیز در طول زمان فزونی یافته باشد. پژوهش‌هایی دربارهٔ برخی از خاندان‌های تجار بابی‌ـ بهائی و خاطراتی از آنها در دست داریم،[۹] اما این منابع بیشتر بر جنبه‌های ایمانی و عقیدتی و اجتماعی ایشان تمرکز دارد و کمتر به فعالیت‌های تجاری آنها توجه کرده‌اند. من فقط یک مقاله یافته‌ام که بحثی در خصوص فعالیت‌های تجاری یک خاندان بابی‌ـ بهائی دارد. این مقاله دربارهٔ خانوادهٔ شیرازی/افنان است و فقط بر یک قلم از انواع کالاهایی که تجارت می‌کردند تمرکز کرده است: تریاک.[۱۰] قابل ذکر است که در کتاب اقدس، که نوشتن آن در سال ۱۸۷۳ به اتمام رسید، بهاالله تجارت و استفاده از تریاک را بر بهائیان ممنوع کرد،[۱۱] و احتمالاً از آن به بعد خاندان شیرازی/ افنان و دیگر بهائیان از این دستور اطاعت کرده‌اند.[۱۲]

هدف تحقیق حاضر افزودن بر غنای منابع مربوط با تجار ایران در دوران قاجار به طور کلی،[۱۳] و به‌ویژه منابع ناچیز دربارهٔ تجار بابی ـ بهائی و متمرکز بر مطالعهٔ فعالیت‌های

---

[7] M. Momen and Peter Smith, "The Babi Movement: A Resource Mobilization Perspective," in *In Iran: Studies in Babi and Baha'i History*, ed. P. Smith (Los Angeles: Kalimat Press, 1986), vol. 3, 74, table 3.

[۸] برای مثال بنگرید به

G. Gilbar, "Baha'u'llah, the Iranian *Tujjār* and the New Approach to Interest," in *The Baha'is of Iran, Transcaspia and the Caucasus*, ed. S. Shahvar et al. (London: I. B. Tauris, 2011), vol. 1, 69-82.

[۹] مثلاً دربارهٔ خاندان افنان بنگرید به م. فیضی، کتاب *خاندان افنان سدرهٔ رحمن* (تهران: مؤسسهٔ ملی مطبوعات امری، ۱۲۷ بدیع/۱۹۷۱)؛ دربارهٔ خانواده مالمیری بنگرید به م. مالمیری، *خاطرات مالمیری* (لانگنهاین، آلمان: لجنهٔ ملی نشر آثار امری، ۱۴۹ بدیع/۱۹۹۲)؛ دربارهٔ خاندان باقراف/خمسی بنگرید به ر. مهرابخانی، *خاندان سادات خمس* (دارمشتات: عصر جدید، ۱۵۱ بدیع/۱۹۹۴).

[۱۰] بنگرید به ع. شهبازی، "خاندان باب و تجارت جهانی تریاک،" دسترس‌پذیر در

https://www.shahbazi.org/pages/Bab_Family1.htm;

https://www.shahbazi.org/pages/Bab_Family2.htm;

https://www.shahbazi.org/pages/Bab_Family3.htm/.

[11] Bahá'u'lláh, *Kitáb-i-Aqdas*, 238-239, Note #155, at http://bahaiquotes.com/subject/drugs/.

[12] Soli Shahvar, "Mohamad-Taqi Wakil-Al-Dawla Širazi," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2016), at http://www.iranicaonline.org/articles/mohammad-taqi/.

[۱۳] در این مقاله از اصطلاح تجار برای معین کردن بازرگانان عمده‌فروش و معتبری استفاده کرده‌ام که در داخل و خارج ایران دادوستدهای گستردهٔ تجاری داشتند و تعداد آنان از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ به تقریبا ۲۵۰ تا ۳۵۰ نفر بالغ می‌شد، بنگرید به

Floor, *Guilds, Merchants and Ulama*: 23; G. Gilbar, "Qajar Dynasty viii. 'Big Merchants' in the Late Qajar Period," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2015), at http://www.iranicaonline.org/articles/qajar-big-merchants/.

تجارتی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های آن، یعنی حاجی میرزا سید محمدتقی شیرازی (افنان)، است. بررسی گسترهٔ فعالیت‌های اقتصادی این خانواده و حوزهٔ جغرافیایی این فعالیت‌ها گواه آن است که در دورهٔ قاجاریه، به‌رغم سرکوب بابیان و بهائیان، برخی تجار منتسب به این آیین توانستند تجارت خود را نه فقط در ایران، بلکه در شبکهٔ وسیعی از کشورهای منطقه و در سطح جهانی توسعه دهند. سوای تمرکز بر نقش مهم حاجی محمدتقی در زمینهٔ گسترش تجارت خانوادگی خود، در این پژوهش به ویژگی خاصی از شخصیت او در مقام کسی خواهم پرداخت که به فراوانی در امور تجاری محل مشورت طبقهٔ تجار ایرانی قرار می‌گرفت. این تجار، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، نه فقط احترام فراوانی برای حاجی محمدتقی قائل بودند، بلکه این احترام را به دیگر پیروان آیین بابی‌ـ بهائی منتقل می‌کردند که غالباً در ایران مورد نفرت بودند.

این پژوهش را با نگاهی به وضع عمومی تجار ایرانی در قرن نوزدهم آغاز می‌کنم. سپس، به ظهور آیین بابی-بهائی در ایران و برخی تعالیم آن و از جمله دیدگاه‌های نوگرا و مدرن آن می‌پردازم و سرانجام بحث را دربارهٔ تجار بابی-بهائی ادامه خواهم داد. بدین ترتیب، بهتر می‌توانیم سوابق تجاری و خانوادگی حاجی میرزا سید محمدتقی و خاندان تجار شیرازی/افنان، ایمان برخی از ایشان را به دیانت بابی‌ـ بهائی و گسترش تجارت ایشان را در ایران و کشورهای دیگر بررسی کنیم.

پس از این بررسی، پژوهش ما بر شخص حاجی میرزا سید محمدتقی و شهرت و محبوبیت فراوان او، نه فقط در خانوادهٔ خود بلکه در بین تجار ایرانی و مقامات حکومتی و حتی روسیهٔ تزاری– یکی از دو کشور پُرنفوذ اروپایی در ایران آن دوران– تمرکز خواهد یافت. ترقیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاجی محمدتقی با استقرار او در شهر یزد آغاز شد که پایگاه اصلی امور تجاری خانوادهٔ او قرار گرفت. در همین شهر بود که با مسائل مهمی درگیر شد که برای تجار ایرانی حائز اهمیت فراوان بودند و علاوه بر آن، در مقام نمایندهٔ تجاری دولت روسیه تزاری در آن شهر انتخاب شد. به سبب داشتن همین سمت بود که توانست در طول یک دهه تجارت خانوادگی‌اش را در نواحی قفقاز و آسیای مرکزی، که به تازگی به تصرف روسیه تزاری درآمده بود، گسترش دهد. در همان حال، با کمک برخی از اعضای خانواده و دیگر بهائیان در آن منطقه موفق به ایجاد و تقویت جوامع بهائی در قفقاز شد که اوج آن ساخت نخستین نیایشگاه بهائی در عشق‌آباد بود.

غالباً چنین تصور می‌شود که بهائیان در دورهٔ قاجار در بدبختی به سر می‌بردند و سرکوب و قتل و غارت می‌شدند. امیدوارم با واکاوی زندگانی حاجی محمدتقی و خانوادهٔ او نشان دهم که چنین برداشتی در خصوص همهٔ جامعهٔ بهائی دوران قاجار صدق نمی‌کند، بلکه طبق زندگی محمدتقی شیرازی، امنیت اجتماعی بهائیان تا حدی هم به عوامل گوناگون و موازین دینی ایشان بستگی داشت؛ از آن جمله وضعیت افرادی بود که با لقب سید به دیانت بابی‌ـ بهائی گرویده بودند. همچنین، پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد، ارتباط ایشان با مقامات حکومتی و شخصیت‌های برجسته، و ارتباطات ایشان با قدرت‌های خارجی این بابی‌ـ بهائیان را که از مقام و پایگاهی اجتماعی یا اقتصادی بهره‌مند بودند از آزارها و سرکوب‌ها حفظ می‌کرد. چنین افرادی به نوبه خود سعی می‌کردند نه فقط از افراد خانوادهٔ خود، بلکه از هم‌دینان خود و کسانی که به نحوی با ایشان ارتباط داشتند یا کارمند و کارگر ایشان بودند نیز حمایت کنند. این امر در خصوص حاجی محمدتقی و دیگر افراد خاندان تجار شیرازی نیز صادق بود و ممکن است که دربارهٔ دیگران هم صادق باشد که نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. خاندان شیرازی با بهره‌مندی از پایگاه اقتصادی خود در ایجاد و توسعهٔ جامعه‌های نو بهائی و تبلیغ این آیین و اهداف و تعالیم مدرن آن نقش مهمی هم در ایران و هم در مناطق دیگر ایفا کرد.

تجار ایرانی در دوران قاجار

رسیدن قاجاریه به سلطنت ایران در اواخر قرن هجدهم میلادی اقتصاد ایران را که از پایان دوران صفویه(۱۵۰۱-۱۷۲۲م) به بحران و انحطاط افتاده بود دستخوش تحول ساخت.[۱۴] ایران از اوایل قرن نوزدهم به شکلی روز افزون عرصهٔ رقابت کشورهای اروپایی شد که برای دوری از رقابت قدرت سیاسی در اروپا، صحنهٔ تصادم را در خاورمیانه و ماورای آن قرار داده بودند. اگرچه این رقابت‌ها عواقب وخیمی برای ایران در بر داشت که از آن جمله بود درگیری‌های نظامی و از دست دادن اراضی، تلفات جانی فراوان، و عواقب اقتصادی کمرشکن،[۱۵] اما موقعیت‌های مناسبی نیز برای این کشور فراهم آورد. درگیر شدن با اروپاییان ایران را از انزوا درآورد، سیر حرکت

[14]B. Fragner, "Economy vii. From the Safavids through the Zands," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2011), at http://www.iranicaonline.org/articles/economy-vii-from-the-safavids-through-the-zands/.

[15]H. Hakimian, "Economy viii. In the Qajar Period," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2011), at http://www.iranicaonline.org/articles/economy-viii-in-the-qajar-period; Issawi, *The Economic History of Iran*, 17.

به سمت نوعی مدرنیته و بهره‌وری از تکنولوژی غربی مثل کشتی‌های بخار، خط تلگراف، و خطوط ارتباطی را سرعت بخشید، راه‌های جدید تجاری گشود، و ایران را درگیر فراز و نشیب‌های اقتصادی اروپا ساخت. در نتیجه، نوعی بازسازی اقتصادی پدید آمد که تا حدی مرهون امنیت و ثبات در عرصهٔ جهانی، ازدیاد مصرف در بازارهای داخلی و بالا رفتن حجم تجارت با خارج بود.

این عوامل به طبقهٔ تجار امکان داد که دوران سخت تجارت را که از پایان سلسلهٔ صفویه درگیر آن بودند پشت سرگذارده و نفوذ خود را در جامعهٔ ایران به دست آورند. برخی از مقامات محلی و خارجی برای طبقهٔ تجار ایران احترام فراوانی قائل بودند و آنان را گروهی تحصیل‌کرده و دارای "بهترین مشاغل" می‌دانستند.[۱۶] حجم تجارت ایران بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴م هشت برابر شد،[۱۷] و سود بسیاری نصیب تجار ایرانی و نیز تجار خارجی کرد که در ایران فعالیت داشتند.[۱۸] مورخان در اینکه کدام یک از دو گروه بالا، یعنی تجار ایرانی یا تجارتخانه‌های خارجی، سود بیشتری از جهانی شدن تجارت ایران بردند اختلاف نظر دارند.[۱۹] به نظر نورائی و مارتین، قضاوت در این امر را باید با بررسی شاخصه‌های گوناگونی صورت داد که در طول زمان همواره در حال تغییر بود، مثل بحران‌های مالی، پیشرفت صنایع، نوسانات قیمت در بازارهای جهانی و مخصوصاً قیمت نقره، طفره رفتن از پرداخت مالیات و حقوق گمرکی و غیره. به نظر آنان، فقط در این صورت است که می‌توان گفت کدام گروه منافع بیشتری به‌دست آورده بود.[۲۰]

---

[16]Floor, *Guilds, Merchants and Ulama*, 24, notes 4-8.

فلور دربارهٔ مقامات محلی حاج میرزا حسن فسائی، محمدعلی‌خان وزیری و عبدالعلی ادیب‌الملک را ذکر می‌کند وبرای مقامات خارجی آرتور دو گوبینو، ج. م. روشوشوار و ای. ج. پولاک را.

[17]Issawi, *The Economic History of Iran*, 130-132; G. Gilbar, "The Opening up of Qājār Iran: Some Economic and Social Aspects," *BSOAS*, 49 (1986), 76.

یک منبع حجم تجارت ایران را در طول همان مدت (۱۸۰۰–۱۹۱۴) حتی بیشتر و تا ۱۲ برابر ارزیابی کرده است:

Willem Floor, "Commerce vi. In the Safavid and Qajar periods," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2011), at http://www.iranicaonline.org/articles/commerce-vi/.

[۱۸]از جمله تجارتخانه‌های خارجی اینهاست:

Paul Gray & Co; Lynch Brothers; E. David Sassoon; Ziegler and Co.; Hotz and Son; N. N. Konshin; Emil Tzindel; Nobel Brothers; and Sociétés des Manufactures Ludwig Rabenek. See Gilbar, "Big Merchants;" Seyf, "Foreign Firms and Local Merchants," 137-155..

[۱۹]برای مختصری از منظر چنین مورخانی بنگرید به

M. Nouraei and V. Martin, "The Role of the 'Karguzar' in the Foreign Relations of State and Society of Iran from the mid-nineteenth century to 1921. Part III: The Karguzar and Disputes over Foreign Trade," *Journal of the Royal Asiatic Society*, 3rd series, 16:2 (July 2006), 151-152.

[20]Nouraei and Martin, "The Role of the 'Karguzar' – Part III," 152.

سودهای به دست آمده از بازارهای داخلی و جهانی طبعاً ثروت فراوانی نصیب تجار می‌کرد.[۲۱] در نتیجه، برای گسترش تجارت خود شبکه‌ای از شعبات تجارتخانهٔ خود را در ایران (مثلاً در اصفهان، یزد و شیراز) و یا در خارج (مثلاً بمبئی، هنگ‌کنگ، شانگهای، استانبول، قاهره، باکو و مسکو) بر پا کردند. تجار با آگاهی از نیازهای بازارهای داخلی و خارجی از این شبکه در حوزه‌های گوناگون استفاده می‌کردند: واردات کالاهایی مثل پارچه‌های ابریشمی، پارچه‌های پشمی یا کتانی، چای، شکر، فلزات، چینی‌آلات، رنگ و حبوبات؛ صادرات کالاهایی مثل تریاک، قالی، پنبه، ابریشم، مواد معدنی، غلات، تنباکو، میوهٔ خشک یا تازه؛ عرضهٔ خدماتی مثل حمل کالا از طریق خشکی و راه‌های آبی یا افتتاح مدارس؛ و کمک به ایجاد تأسیسات صنعتی مثل پارچه‌بافی، کارخانجات چینی‌سازی، کارخانجات قند، تولید کاغذ، و ابریشم‌بافی.[۲۲]

در بسیاری مواقع، شبکه‌های اقتصادی بر اساس ارتباطات خانوادگی شکل می‌گرفت. این امر در بین تجار شیعه نیز رایج بود، اما در خصوص تجار غیرمسلمان روشی عام به شمار می‌آمد.[۲۳] با توجه به اینکه اکثریت مردم ایران شیعه و نسبت به تجار غیرمسلمان تعصب شدید دینی داشتند، لذا برای تجار غیرمسلمان راهی جز این باقی نمی‌ماند که شرکای مورد اعتماد خود را از بین افراد خانواده برگزینند. پدران فرزندان ذکور خود را از نوجوانی در کار تجارت دخیل می‌ساختند و دختران خود را به همسری پسران تجار خانواده درمی‌آوردند. این روش در نسل‌های بعدی تکرار و موجب گسترش شبکه‌های تجاری این خاندان‌ها در ایران و خارج می‌شد.[۲۴]

بسیاری از تجار و مخصوصاً آنان که با تجار خارجی سروکار داشتند، به‌رغم تحصیلات قدیمی و زندگانی سنتی خود، گاه از شرکای خارجی خود دیدن کرده یا مدتی در

---

[۲۱] در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، سرمایهٔ متوسط تجار عمده بین ۵۰۰هزار تا ۱میلیون قران تخمین زده می‌شد. نرخ تسعیر قران به پاوند انگلیسی ۵۰ تا ۵۵ قران به ۱ پاوند بود. بنگرید به Gilbar, "Big Merchants; " *Issawi, The Economic History of Iran*, 344-345.

[22] Gilbar, "Big Merchants;" S. Shahvar, *The Forgotten Schools: The Baha'is and Modern Education in Iran, 1899-1934* (London: I. B. Tauris, 2009), 51-56; Issawi, *The Economic History of Iran*, 134-136.

[23] G. Gilbar, "Muslim *Tujjār* of the Middle East and their Commercial Networks in the Long Nineteenth Century," *Studia Islamica*, 100-101 (2005), 183-202; Gilbar, "Big Merchants."

[۲۴] در ادامه نشان خواهم داد که چگونه تجارت در ایران در میان تجار مسلمان و نیز آنان که از اسلام به آیین بابی-بهائی گرویدند با علایق خانوادگی پیوند داشت. خاندان شیرازی/افنان پیش از ایمان به آیین جدید بابی-بهائی مسلمان شیعه بودند.

خارج از ایران اقامت می‌جستند. این‌گونه افراد را می‌توان از پیشگامان مدرنیته در ایران و مخصوصاً در نهضت مشروطیت دانست، زیرا اینان ایجاد حکومت مشروطه را نه فقط برای پیشرفت ایران و ایرانیان، بلکه برای ثبات و توسعهٔ تجارت خود ضروری می‌شمردند.[۲۵] در عین حال، گروه کوچکی از تجار ــ معمولاً تجار بابی- بهائی ــ نیز بودند که پشتیبانی ایشان از اصلاحات و اصلاح‌طلبان مانند دیگر هم‌دینانشان ریشه در باورهای دینی داشت و تغییر و نوآوری و مدرنیته را نه تنها برای تجارت بلکه برای سایر امور اجتماعی نیز ضروری می‌شماردند.

گسترش آیین بابی-بهائی در ایران

آیین بابی که در سال ۱۸۴۴ بنیاد نهاده شد، از دههٔ ۱۸۶۰ به بعد رفته‌رفته در قالب دینی جهانی گسترش یافت. ریشهٔ این آیین دینی را باید مکتب شیخی دانست که از اسلام شیعی سر برآورد و اعتقاد به حضور همیشگی "شیعهٔ کامل" در جهان، از زمان غیبت امام دوازدهم (مهدی موعود)، داشت. شیعهٔ کامل و به عبارت دیگر "باب" دری بین شیعیان و امام غایب به شمار می‌آمد.[۲۶]

در ۱۸۴۴، یکی از پیروان مکتب شیخیه با نام سید علی‌محمد شیرازی (۱۸۱۹-۱۸۵۰)[۲۷] ادعا کرد که همان باب و نایب امام غایب است. در ۱۸۴۸، لغو قوانین شرع اسلام را اعلام،[۲۸] و سرانجام ادعا کرد که همان مهدی موعود است. بنابراین، با ظهور او وجود طبقهٔ علمای شیعی ضرورتی پیدا نمی‌کرد و با این ادعا سید علی‌محمد شیرازی خطری برای سازمان محافظه‌کار و سنتی علمای شیعی به شمار آمد. بدین ترتیب، نه فقط طبقهٔ ملایان شیعی، بلکه دولت قاجار نیمهٔ قرن نوزدهم نیز بابیان و سپس بهائیان را خطری برای خود دانستند. توقیف و زندانی شدن باب در ۱۸۴۷ و تیرباران او در ۱۸۵۰ برای جلوگیری از گسترش آیین او منجر به این شد که چند تن از بابیان افراطی در ماه اوت ۱۸۵۲ به جان ناصرالدین شاه قاجار ــ که او را مسبب

---

[25]Gilbar, "Big Merchants."

[۲۶]برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ شیخیه بنگرید به
D. Hermann, "Shaykhism," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2017), at http://www.iranicaonline.org/articles/shaykhism/.

[27]D. M. MacEoin, "Bāb, 'Ali Moḥammad Širāzī," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2011), at http://www.iranicaonline.org/articles/bab-ali-mohammad-sirazi/.

[28]D. M. MacEoin, "Babism," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2011), at http://www.iranicaonline.org/articles/babism-index/.

قتل باب می‌دانستند ــ دست به سوء قصدی نافرجام بزنند. این اقدام سرکوب شدید و بی‌رحمانهٔ بابیان را در پی داشت که به قتل و کشتار بسیاری از ایشان انجامید.[۲۹]

یکی از بابیانی که پس از سوءقصد به جان شاه دستگیر و زندانی شد میرزا حسینعلی نوری، ملقب به جناب بهاء در میان بابیان، از خانواده‌ای ثروتمند بود و با دربار شاه ارتباط داشت. پدرش در طول زندگانی مشاغل مهمی در دستگاه قاجار بر عهده گرفت و خود او نسبت خانوادگی دوری با میرزا آقاخان نوری (صدارت: ۱۸۵۱-۱۸۵۸)، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، داشت. به سبب این ارتباطات و نیز با پادرمیانی کنسول روسیه، میرزا حسینعلی آزاد و در ژانویه ۱۸۵۳ به بغداد تبعید شد. وی در ۱۸۶۳ با لقب بهاءالله دیانت بهائی را بنیاد نهاد و خود را کسی دانست که باب نوزده سال پیش به برآمدن او پیشگویی کرده بود. بهاءالله و همراهان او در ۱۸۶۸ به فرمان مقامات عثمانی به عکا در فلسطین تبعید شدند. او در این شهر کتاب اقدس را نگاشت که شامل تعالیم پایه‌ای دین یکتاپرست، صلح‌جو، و مساوات‌طلب اوست.[۳۰] این تعالیم از جمله عبارت‌اند از وحدت عالم انسانی، صلح عمومی، توافق علم و دین، تساوی حقوق زنان و مردان، لغو تعصبات از هر قبیل، تعلیم و تربیت عمومی و اجباری، حل مشکلات اقتصادی با اتکا بر مبانی روحانی، و توافق بر سر یک زبان بین‌المللی در کنار زبان ملی.

اکثریت بابیان رهبری بهاءالله و تعالیم او را پذیرفتند، بهائی شناخته شدند و در زمینهٔ سازمان دادن آیین خود بر اساس کتاب اقدس کوشیدند. به‌رغم آزار و سرکوب‌هایی از جمله در اصفهان به سال ۱۸۷۴ و ۱۸۸۰، در تهران به سال ۱۸۸۲ و ۱۸۸۳، و در یزد به سال ۱۸۹۱، تعداد بهائیان ایران به سبب تغییر مذهب مسلمانان، زردشتیان و یهودیان و نیز به سبب فرزندآوری افزایش یافت. از پایان دههٔ ۱۸۶۰، این دیانت در عراق، ترکیهٔ عثمانی، سوریه، مصر، سودان، قفقاز و نواحی بحر خزر، و نیز در هندوستان و برمه پیروانی یافت و از پایان قرن

---

[۲۹] برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ باب ونهضت بابی بنگرید به
Denis MacEoin, *The Messiah of Shiraz: Studies in Early and Middle Babism* (Leiden and Boston: Brill, 2009); Amanat, *Resurrection and Renewal*.

[30] J. R. I. Cole, "Bahaism i. The Faith," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2011), at http://www.iranicaonline.org/articles/bahaism-i; "Principles of the Baha'i Faith," (1997), at http://www.bahai.com/Bahaullah/principles.htm; Cole, *Modernity and the Millennium*: *The Genesis of the Baha'i Faith in the Nineteenth-Century Middle East* (New York: Columbia University Press, 1998); M. Sergeev, *Theory of Religious Cycles: Tradition, Modernity, and the Bahá'í Faith* (Leiden-Boston: Brill, 2015).

نوزدهـم و آغـاز قرن بیسـتم بـه تونس، عربسـتان، اروپـا، امریکای شـمالی، چین، ژاپـن، افریقای جنوبی، برزیل و اسـترالیا رسـید.[۳۱]

بدیـن ترتیـب، جامعۀ بابی‌ـ بهائی در ایران و کشـورهای دیگر توانسـتند به سـبب اصل جهان‌گرایی که در آیینشـان نهادینه بود چونان پیشـگامان نواندیشـی جلوه کننـد. داشـتن دیدی جهانـی نیز تغییراتی در زندگانی برخی بهائیـان پدید آورد و آنانـی کـه در ایـران با خطراتـی روبه‌رو بودند به کشـورهای دیگـر مهاجرت کردند و امنیت و رفاه را در خارج از مرزهای کشورشـان جسـتند. شـمّ متهورانۀ اقتصادی برخـی دیگـر، از جمله تجار بهائی، موجب توسـعۀ حـوزۀ تجارت ایشـان در داخل یـا خـارج ایران شـد و امکاناتـی فراهم آورد که هم تجارت پُررونقی داشـته باشـند و هـم بـه تبلیغ دیانت خـود در حوزۀ جدید تجـاری بپردازند.

تجار بابی-بهائی

بررسی ساختار اجتماعی نهضت بابی نشان می‌دهد که تقریباً ۱۳ درصد از بابیان مشهور جزو تجار عمده‌فروش و ۳ درصد جزو تجار خرده‌فروش یا صنعتگران خرده‌پا بودند. بدین ترتیب، پس از صنف علما که با ۴۸ درصد بزرگ‌ترین گروه جامعۀ بابی را تشکیل می‌دادند، صنف تجار از لحاظ تعداد در مقام دوم قرار داشتند.[۳۲] الکساندر تومانسکی، افسر روس، در گزارش محرمانۀ سفر خود به ایران در سال ۱۸۹۵برای جمع‌آوری اطلاعاتی دربارۀ بابیان و بهائیان و جامعۀ بهائی ایران می‌نویسد که "از صنف تجار بسیاری" بهائی بودند.[۳۳] گزارش دیگری که کنسول روس در بغداد پیش از این تاریخ و احتمالاً در دهۀ ۱۸۶۰ از وضع بابیان ساکن عراق به مسکو ارسال کرده

---

[31] Cole, "Bahaism i. The Faith."

[32] Momen and Smith, "The Babi Movement: A Resource Mobilization Perspective," 74, table 3. برای جزئیات بیشتر دربارۀ شکل گرفتن جامعۀ تجار بابی بنگرید به
Amanat, *Resurrection and Renewal*: 332-371.

[33] "Report by Staff-Captain Tumanskii", part 2 (secret), St Petersburg, 26 April 1895, in Shahvar et al., *The Baha'is of Iran, Transcaspia and the Caucasus*, vol. 2: 80.
قابل ذکر است که تومانسکی فقط افسر ارتش نبود، بلکه مستشرق هم بود. او منابع بابی و بهائی را تقریباً همزمان با پژوهشگران و محققان معروف آن زمان در مطالعات بابی-بهائی، مثل ادوارد گرانویل براون انگلیسی و محققی روس با نام بارون ویکتور رومانوویچ روزن، مطالعه می‌کرد و با آنها در این زمینه در تماس بود. تومانسکی سابقه‌ای از تجربه‌ای که علاقۀ او را به مطالعۀ دین بهایی برانگیخت در منبع زیر آورده است:
A.G. Tumanski, "Dva poslednikh Babidski Otkroveniya لوح," *Zapiski Vostochnago Otdeleniya Imperatorskago Russkago Arkheologichesk*, 6 (1891), 314-321.

است نیز همین امر را تأیید می‌کند.[۳۴] این ارقام نه فقط حاکی از ایمان جمع زیادی از تجار ایران و عراق به آیین بهائی است، بلکه حاکی از محبوبیت این آیین در میان تجار به علت دیدگاه موافق آن نسبت به تجار و تجارت نیز هست.[۳۵] گزارش الکساندر تومانسکی و دیگر اسناد روسی همچنین از خاندان‌های تجار بهائی گفت‌وگو می‌کنند که در یزد و اصفهان و عشق‌آباد، یعنی مراکز عمدهٔ تجارت در ایران و نواحی شرق دریای مازندران، به تجارت مشغول بوده‌اند.[۳۶]

تجـار بهائـی را می‌تـوان یکـی از اصلی‌تریـن گروه‌هـای اجتماعـی بـه شـمار آورد کـه شـبکهٔ تجارت داخلـی و فرامرزی و ثـروت خود را در خدمت گسـترش تعالیم مترقیانـهٔ بهائـی بـه کار گرفتند. ایـن تعالیم خواهـان تحولات اجتماعـی، تجدد و تغییر جامعه بود. یکی از تجار پیشـرو بهائی‌ــ و شـاید پیشـروترین آنان‌ــ در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم حاجی میرزا سـید محمدتقی شـیرازی بود (۱۸۳۰-۱۹۱۱) بود.

خاندان تجار شیرازی، باب و ملا محمدتقی

شـیراز در تاریـخ دیـن بابی-بهائـی و به‌خصـوص در تاریخ اولیهٔ نهضـت بابی مقام والایی دارد. نزدیکی جغرافیایی شـیراز به بندر بوشـهر و خلیج فارس این شـهر را بـه دروازهٔ تجـاری ایـران و یکـی از مراکز مهـم بازرگانی جنوب این کشـور در دورهٔ قاجاریـه بدل سـاخته بود و محل سـکونت بسـیاری از تجار معتبـر و مرکز تجاری آنان شـد.

حاجـی میـرزا سـید محمدتقـی افنان شـیرازی فرزنـد حاجی میرزا سـید محمد، خـال اکبر (دایی بزرگ‌تر) سـید علی‌محمد شـیرازی (باب) بود.[۳۷] هر دوی ایشـان

---

[34]"Information from P. E. Panafidin,"

در آرشـیو تاریخی روسـیه (سـن‌پترزبورگ)، فوند (سـریال) شـمارهٔ ۷۷۷، اوپیس (محتوای فوند) ۱، دلو (فایـل) ۹۹، ص ۹، بـدون تاریـخ (دسـتخط نوشته‌شـده روی تکه کاغذی کوچـک)، به نقل از Shahvar et al., *The Baha'is of Iran, Transcaspia and the Caucasus*, vol. 2:35.

[35]Gilbar, "Baha'u'llah, the Iranian Tujjār."

[36]Shahvar et al., *The Baha'is of Iran, Transcaspia and the Caucasus*, vol. 1:102, 114, 128, 241 n. 47; vol. 2:48, 70, 80, 204 n. 23, and 207 n. 14.

[۳۷]ایـن لقـب حاجـی میـرزا سـید محمـد (۱۷۹۰-۱۸۷۰) بدان سـبب بـود کـه وی بزرگ‌تریـن دایی باب محسـوب می‌شد.

P. Smith, *A Concise Encyclopedia of the Baha'i Faith* (Oxford: Oneworld, 2000), 59; Fayzī, *Kitāb-i Khāndān-i Afnān*, 46.

و بسیاری از بستگان ایشان از خانواده‌های قدیمی تجار شیراز بودند.[۳۸] تحولات زندگانی سید علی‌محمد تأثیر فراوانی بر دوران اولیهٔ حیات سید محمدتقی داشت. سید علی‌محمد کودکی هفت‌هشت ساله بود که پدرش را از دست داد (۱۸۲۷-۱۸۲۸) و لاجرم مادرش به خانهٔ برادر خود، حاجی میرزا سید علی ملقب به خال اعظم (بزرگ‌ترین دایی)، نقل مکان کرد.[۳۹] سید علی و دو برادرش از تجار عمدهٔ شیراز به شمار می‌رفتند و تجارتشان شامل صادرات و واردات از هندوستان بود. حاجی میرزا سید علی دفتر مرکزی تجارت ایشان را از شیراز اداره می‌کرد و برادرانش حاجی میرزا سید محمد، پدر محمدتقی که به خال اصغر (جوان‌ترین دایی) معروف بود، شعبات یزد و بوشهر را اداره می‌کردند. هر سه دایی باب با دختران تجار محلی ازدواج کرده بودند.[۴۰]

از آنجا که سید علی‌محمد علاقه‌ای به تحصیل نشان نمی‌داد،[۴۱] دو دایی بزرگ‌تر او را در حالی که بیش از ده سال نداشت وارد تجارت خانوادگی کردند.[۴۲] وی ابتدا در حجرهٔ اصلی تجارتخانه در سرای گمرک بازار وکیل در شیراز مشغول به کار شد.[۴۳] در سن پانزده سالگی و پس از آموختن اصول و روش تجارت، او را به شعبهٔ تجاری بوشهر واقع در کاروانسرای مشهور میمندی (سرای شیخ) فرستادند تا رفته‌رفته بتواند امور آن شعبه را مستقلاً اداره کند.[۴۴]

---

[۳۸] حبیب‌الله افنان، *تاریخ امری شیراز*، دسترس‌پذیر در http://www.h-net.org/~bahai/arabic/vol4/shiraz/shiraz.htm/.

م. فیضی، *کتاب خاندان افنان*، ۲۰؛

"Fátimih Bagum," no. 4 in Ahang Rabbani, "The Afnan Family: Some Biographical Notes," at http://ahang.rabbani.googlepages.com/afnan/.

[۳۹] با آنکه حاجی میرزا سید علی دائی دوم باب بود، وی را خال اعظم می‌نامند، زیرا از زمان کودکی سرپرست باب و یکی از هفت بابی در تهران، موسوم به "شهدای سبعه،" بود که به علت ایمان به باب در سال ۱۸۵۰به قتل رسیدند. بنگرید به

Smith, *A Concise Encyclopedia*, 59 and 310.

[۴۰] برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ باب، خانواده وفعالیت‌های تجاری‌شان، بنگرید به

Amanat, *Resurrection and Renewal*, 123-131.

[41] Amanat, *Resurrection and Renewal*, 113-121.

[42] Amanat, *Resurrection and Renewal*, 121.

[43] K. Afsar, "Bāzār-e Wakīl," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (1989), at http://www.iranicaonline.org/articles/bazar-e-wakil-an-architectural-monument-of-the-reign-of-karim-khan-zand-wakil-r/.

[۴۴] بنگرید به افنان، *تاریخ امری شیراز*، ۲۱؛ م. فیضی، *حضرت نقطهٔ اولی* (بی‌جا: مؤسسهٔ ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ بدیع/۱۳۵۲)، ۸۵-۸۷.

پس از پنج سال کار تجاری در بوشهر، در حدود سال‌های ۱۸۳۹ و ۱۸۴۰، سید علی‌محمد که انتظار می‌رفت ادارهٔ شعبهٔ بوشهر را به دست بگیرد به دو دایی خود اطلاع داد که قصد دارد برای زیارت به عتبات عالیات (شهرهای مذهبی شیعه در عراق) برود و لذا تقاضا کرد یکی از ایشان برای تحویل گرفتن حجره و حساب‌ها به بوشهر بروند.[۴۵] سپس، سفر تاریخ‌ساز خود را به عتبات آغاز کرد. او چند سال بعد از عتبات به شیراز بازگشت و پس از چندی با ادعای بابیت و بعدها قائمیت[۴۶] آغازگر یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین وقایع تاریخ معاصر ایران، یعنی ظهور و گسترش آیین بابی-بهائی، شد. بستگان باب و بیشتر بستگان مادری‌اش آرام‌آرام به دیانت بابی-بهائی ایمان آوردند.[۴۷] بهاءالله بعداً به این خاندان لقب "افنان"[۴۸] داد که نام خانوادگی ایشان قرار گرفت.[۴۹] این واقعیت که بیشتر اعضای این خانواده از طبقهٔ تجار بودند و با دخترانی از همان طبقه ازدواج کردند نه فقط موجب قوت و گسترش حوزهٔ تجاری این خاندان شد، بلکه تعداد فراوانی از بازرگانان را در شیراز و یزد و بوشهر با آیین بابی-بهائی آشنا ساخت و آنان را به این دیانت آورد. سوای آن، خاندان افنان موفق شدند ثروت و پایگاهی را که به دست آورده بودند در تقویت و گسترش آیین بابی-بهائی و نیازهای آن به کار گیرد.

با عزیمت سید علی‌محمد به عتبات، پسر دایی او، محمدتقی، برای ادارهٔ شعبهٔ بوشهر اعزام شد. وی پس از پایان تحصیلات خود در شیراز در سال ۱۸۴۵ در ۱۵ سالگی برای ادارهٔ شعبهٔ پدر خود به بوشهر رفت و جایگزین پسر عمهٔ بزرگ‌تر خود شد. از فعالیت‌های تجاری محمدتقی در بوشهر اطلاعات چندانی در دست نداریم، ولی می‌توانیم با اطمینان بگوییم که اقامت او در بوشهر که در آن زمان مهم‌ترین بندر دادوستد خارجی ایران بود، وی را با ریزه‌کاری‌های تجارت خارجی و امور واردات و صادرات و گمرکات آشنا ساخت.

---

[۴۵] بنا بر روایت دیگری، اشتغال فراوان باب به دعا و نماز و مناجات بود که وی را از شراکت با دایی‌اش بازمی‌داشت و به استقلال او در تجارت انجامید که آن نیز کوتاه‌مدت بود و با سفر وی به عتبات خاتمه یافت. بنگرید به
Amanat, *Resurrection and Renewal*, 129.

[۴۶] افنان، *تاریخ امری شیراز*، ۲۷-۲۷ و ۲۹.

[۴۷] دربارهٔ خانوادهٔ دایی‌ها و عموهای باب که به آیین بابی یا بعداً به بابی-بهائی پیوستند، بنگرید به
Smith, *A Concise*, 59-60; Amanat, *Resurrection and Renewal*, 118-119; H. M. Balyuzi, *Baha'u'llah: The King of Glory* (Oxford: George Ronald, 1980), 403-404.

[۴۸] "افنان" جمع واژهٔ "فنان" عربی است، به معنای شاخهٔ ستبر و سرسبز درخت. این واژه در قرآن و حدیث و نیز در اشعار سعدی آمده است. بنگرید به قرآن، سورهٔ ۵۵، آیات ۴۶-۴۷؛ فیضی، *خاندان افنان*، ۹-۱۰. این لقب بعدها نام فامیل این خاندان شد.

[۴۹] در این مقاله ما از لقب اصلی "شیرازی" برای محمدعلی و خانوادهٔ او استفاده کرده‌ایم.

شبکهٔ تجاری خانوادهٔ میرزا محمدتقی شیرازی

تصویری که از فعالیت‌های تجاری خاندان شیرازی داریم حکایت از تشکلی خانوادگی دارد که جملگی در شبکهٔ واحدی جمع بودند که در این پژوهش آن را "تجارتخانهٔ شیرازی" خواهیم نامید. برخی از اعضای این خانواده روابطی تجاری با دیگر تجار در ایران و خارج از ایران برقرار ساختند و فعالیت‌های اقتصادی خود را در سطوح محلی، ناحیه‌ای و بین‌المللی گسترش دادند. حاجی امین‌الضرب، از بزرگ‌ترین تجار مسلمان پایان قرن نوزدهم اصفهان، در شرحی که از تجارت یزد در اوراق خود آورد است، خاندان شیرازی را گروهی برادران و برادر زادگان می‌داند که در یزد، شیراز، هنگ‌کنگ، بمبئی و عشق آباد جملگی با یکدیگر کار می‌کردند.[۵۰]

ظاهراً اعضای این تجارتخانه غالباً محل فعالیت خود را تغییر می‌دادند. از جمله در سال ۱۸۸۴-۱۸۸۵م/۱۳۰۲ق، آقاسید آقابزرگ شیرازی از شیراز به هنگ کنک منتقل شد تا جانشین حاجی میرزا محمدعلی شود که پس از هفت سال اقامت در آنجا در سال ۱۸۸۷ به ایران بازگشت. یکی دیگر از افراد شاخص خاندان و تجارتخانهٔ شیرازی، حاجی سید جعفر شیرازی بود که نفوذ بسیاری در حوزهٔ تجار شهر یزد داشت. وی به بمبئی رفت و در آنجا شریک حاجی میرزابزرگ و حاجی میرزا محمدعلی شد.[۵۱] بدیهی است اوضاع سیاسی و سرکوب و کشتار بهائیان در ایران نیز در گسترش حوزهٔ فعالیت‌های تجارتخانهٔ شیرازی تأثیر فراوان داشت. برای مثال، آقامیرزا آقانورالدین (ز. ۱۸۴۲)، تاجر بهائی موفقی از خاندان شیرازی، پس از آنکه دو تن از شرکار تجاری‌اش یعنی برادران نهری (حسن و حسین) در اصفهان بنا به فتوای امام جمعهٔ آن شهر و به فرمان حاکم شهر، ظل‌السلطان، در ۱۸۷۹ به قتل رسیدند، در ۱۸۸۰ به بمبئی نقل مکان کرد و تا ۱۸۸۹ در آنجا سکونت داشت. وی سپس به پُرت‌سعید در مصر رفت و در آنجا شعبهٔ تجارتخانهٔ شیرازی را با نام [تجارت] خانهٔ نورالدین افتتاح و شرکت روحانیه را تأسیس کرد.[۵۲] بدین ترتیب، می‌بینیم که گسترش تجارتخانهٔ شیرازی هم به سبب نیاز به گشودن مراکز جدید و هم به علت تلاش برای نجات جان از خطر بود.

---

[۵۰] آقا محمدحسین امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب (سال‌های ۱۳۳۰-۱۲۸۰ قمری)*، به کوشش ا. مهدوی و ا. افشار (تهران: طلایع، ۱۳۸۰)، ۴۸ و ۲۴۵-۲۴۶.

[51] "Hájí Siyyid Ja'far," no. 21 in Rabbani, *The Afnan Family*.

[52] See J. R. I. Cole, "Religious Dissent and Urban Leadership: Baha'is in Qajar Shiraz and Tehran," *Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies*, 37 (1999), 123-142.

یزد، مرکز فعالیت‌های تجاری میرزا محمدتقی

در حدود سال ۱۸۵۰، محمدتقی، که دیگر به دیانت بابی گرویده بود، به یزد بازگشت و عهده‌دار امور تجارتخانهٔ شیرازی در آن شهر شد. وی در آنجا ازدواج کرد و با تشکیل خانواده بر تعداد افراد شبکهٔ تجاری شیرازی افزود. حجره و محل اصلی تجارت ایشان در کاروانسرای خواجه یا سرای خواجه بود،[۵۳] و از همان‌جا یکی از بزرگ‌ترین تجارتخانه‌های شهر یزد را اداره می‌کرد که در آن زمان به قول فلور مرکز تجارت و صنایع ایران و کشورهای شرق به شمار می‌آمد.[۵۴]

دامنهٔ فعالیت تجارتخانهٔ شیرازی بسیار گسترده بود و انواع و اقسام کالاها را در بر می‌گرفت. از آنجا که تولیدات کالا در شهرهایی که شعباتی داشتند متنوع و متفاوت بود، طبعاً این تجارتخانه در تولید کالاهای محلی نیز نقش داشت. این واقعیت که مرغوبیت تریاک یزد شهرت داشت ممکن است سبب ورود تجارتخانهٔ شیرازی به تجارت و تولید تریاک و کنترل بخش بزرگی از این تجارت باشد.

تجارت سودآور تریاک بیشتر مرهون حاجی میرزا محمدعلی (۱۸۲۴-۱۸۹۶)، برادر بزرگ‌تر حاجی محمدتقی، بود که سهم فراوانی در توسعهٔ تجارت این خانواده در چین داشت. مانند همهٔ اولاد ذکور این خانواده، حاجی محمدعلی کار خود را در شعبهٔ شیراز، شعبهٔ اصلی تجارتخانهٔ شیرازی، آغاز کرد. با این همه، هنگامی که بازار محصولات و کالاهای سنتی کساد شد، محمدعلی به حوزهٔ جدیدی از تجارت، یعنی تریاک، وارد و پس از چندی در شعبهٔ جدیدی در هنگ‌کنگ مستقر شد که انباری در شانگهای داشت. اندکی پس از آن، همهٔ تجار تریاک از اصفهان، یزد، و جنوب ایران محصول خود را از طریق او به چین می‌فرستادند.[۵۵] بی‌سبب نبود که او به لقب "تریاکی" مشهور شد. بهاءالله او را "افنان چینی" می‌نامید.[۵۶]

---

[۵۳] سرای خواجه سالیانه از طرف دولت به شخصی اجاره داده می‌شد و اجارهٔ آن با نام "عوارض دیوانی" به دولت پرداخت می‌شد. مسئولیت هرگونه تعمیرات در طول مدت اجاره بر عهدهٔ مستأجر بود. مستأجر به نوبهٔ خود حجرات را به تجار، به عنوان مستأجرین، اجاره می‌داد. این تجار در مقابل صاحب موقتی سرای خواجه (موجر) مسئول تعمیرات حجره‌های خود بودند. در سال ۱۳۰۵ق/۱۸۸۷-۱۸۸۸، سرای خواجه در اجارهٔ شخصی با نام علی‌نقی‌خان اشتری بود که سالانه ۸۰۰ تومان بابت اجاره پرداخت می‌کرد. بنگرید به امین‌الضرب، یزد در *اسناد امین‌الضرب*، ۹۶.

[54] Floor, "Commerce vi. In the Safavid and Qajar Periods."

[۵۵] ح. فسائی، *فارسنامهٔ ناصری* (تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۲)، جلد ۲، ۹۵۶.

[۵۶] لوح بهاءالله در فیضی، *کتاب خاندان افنان*، ۸۳.

در ایران آن روز، اصفهان و یزد و خراسان از مراکز عمدهٔ کشت تریاک مرغوب به شمار می‌آمدند، اما فقط محصول تریاک یزد بود که می‌توانست با تریاک کرمان رقابت کند.[۵۷] بر اساس اسناد موجود، تریاک یکی از مهم‌ترین اقلام صادرات ایران در دههٔ ۱۸۸۰ بود که ۲۶ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌داد.[۵۸] کشت یک هکتار تریاک سه برابر کشت غلات سودآور بود.[۵۹] طی سال‌های ۱۸۶۸-۱۸۶۹، کل محصول تریاک ایران ۱۵۵۰۰ من شاهی[۶۰] بود که از این مقدار قریب نیمی از آن، یعنی ۷۵۰۰ من، فقط در یزد تولید می‌شد و از محصول تریاک شهرهای دیگر برتر بود.[۶۱]

فعالیت‌های اقتصادی خانوادهٔ شیرازی شامل اجارهٔ زمین‌های زراعتی نیز می‌شد که یا خود در آن کشت و زرع می‌کردند یا زمین را به دیگران اجاره می‌دادند. برای مثال، باغ ناصریهٔ یزد را به سالی ۱۰۰ تومان اجاره کردند و برای استفاده از آب آن سالیانه ۱۶۰ تومان به حکومت مالیات می‌پرداختند.[۶۲] سوای آن، زمین‌های خود را نیز اجاره می‌دادند. برای مثال، دو دهکدهٔ خرّمی و بیان را به مدت نُه سال به حاج محمدطاهر مالمیری، بازرگان بهائی یزدی، اجاره دادند. اجاره‌بهای این دو دِه سالیانه ۲۷۰۰۰ من (۸۱۰۰۰ کیلوگرم) گندم در سال بود.[۶۳] مالمیری با محمدتقی و خانوادهٔ شیرازی روابط دوستانه داشت. او نه فقط مستأجر املاک ایشان بود، بلکه حقوقی نیز برای برخی خدمات دریافت می‌داشت؛ از جمله سرپرست یکی از دهکده‌های چاکری نزدیک هرات[۶۴] بود که به حاجی محمدتقی تعلق داشت.[۶۵]

---

[57] R. B. Regavim, "The Most Sovereign of Masters: The History of Opium in Modern Iran, 1850-1955" (PhD dissertation, University of Pennsylvania, 2012), 106.

[58] Issawi, *The Economic History of Iran*, 136 (table).

[59] Issawi, *The Economic History of Iran*, 239.

در اوایل صادرات تریاک از ایران به چین، قیمت یک صندوق بین ۲۸۰ تا ۳۵۰ دلار بود و در سال ۱۸۷۹ بین ۵۲۰ تا ۵۳۹ دلار.

[۶۰] من واحد وزن در ایران بود. منِ شاهی برابر با شش کیلوگرم و «منِ معمولی یا منِ تبریز سه کیلوگرم وزن داشت.

Issawi, *The Economic History of Iran*, 389-90.

[61] Issawi, *The Economic History of Iran*, 241.

[۶۲] از نامهٔ آقا حسین، یکی از تجاری که در سرای خواجه در یزد حجره داشت، به امین‌الضرب، ۴ جمادی‌الاول ۱۳۰۱ق/۲ مارس ۱۸۸۴م، به نقل از امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۱۶۱.

[۶۳] مالمیری، *خاطرات مالمیری*، ۱۲۷-۱۲۸.

[۶۴] به احتمال فراوان، هرات در اطراف یزد در جنوب مَروَست ــ ناحیهٔ دیگری که محمدتقی در آن ملک داشت ــ و در آخرین نقطهٔ جنوبی منطقهٔ یزد واقع بود و نباید آن را با هرات افغانستان اشتباه گرفت. از موژان مؤمن برای این اطلاعات سپاس‌گزارم.

[۶۵] مالمیری، *خاطرات مالمیری*، ۱۳۴.

از جمله اقلام تجاری محمدتقی کتیرا بود که آن را با شتر[۶۶] به شاهرود می‌فرستاد که یا آنجا به فروش رود یا به عشق‌آباد صادر شود. شکر و قند دو قلم مهم دیگر از کالاهای تجاری محمدتقی و خانوادهٔ شیرازی را تشکیل می‌داد که دامنه‌اش نه فقط ایران، بلکه روسیه را هم در بر می‌گرفت.[۶۷] برنجی که در دهکدهٔ کوچکی در لرستان با نام کلوار تولید می‌شد یکی دیگر از اقلام تجاری خانوادهٔ شیرازی را تشکیل می‌داد.[۶۸]

محمدتقی حتی در کرمان نیز علایق تجاری داشت.[۶۹] کالاهایی که به کرمان صادر می‌شد به احتمال فراوان برای مصرف آن ایالت و یا برای صدور مجدد به مناطق شرقی ایران بود. خاندان شیرازی با داشتن شعباتی در یزد، شیراز و بوشهر و نیز با حمل‌ونقل زمینی به عشق‌آباد و بخارا، و با حمل‌ونقل دریایی به مراکزی در بمبئی و هنگ‌کنگ توانستند شبکهٔ وسیع تجاری برای دادوستد انواع کالاها ایجاد کنند.

محمدتقی حتی شغلی نیمه‌رسمی نیز برای کسب درآمد داشت. برای مثال، در سال توشقانئیل ۱۲۷۰ (برابر با سالی که با ۱۰ شعبان ۱۳۰۸ آغاز و در ۱۹ شعبان ۱۳۰۹ق. خاتمه می‌یابد/۲۱ مارس ۱۸۹۱ تا ۱۹ مارس ۱۸۹۲م) در دوران حکومت فتحعلی‌خان صاحب دیوان در کرمان همهٔ گمرکات شهر یزد به مبلغ ۴۰هزار تومان در سال به محمدتقی شیرازی به مقاطعه داده شد. رقیب محمدتقی شیرازی در این مقاطعه علی‌نقی اشتری، تاجر بزرگ و معروف کرمان، بود که تا آن زمان "مباشر" گمرکات یزد بود و سالیانه ۲هزار تومان کمتر از مبلغ بالا می‌پرداخت.[۷۰] مانند دیگر مشاغل رسمی، این شغل نیز در آغاز هر سال ایرانی به مقاطعه گذارده می‌شد و پس از تصویب وزیر گمرکات، امین‌السلطان، با خلعتی به صورت شنل مخصوص به برندهٔ مزایده اعطا می‌شد.[۷۱] اهمیت داشتن گمرکات یزد از آن نظر بود که این شهر در مرکز

---

[۶۶] حاجی سیّد محمد تقی شیرازی به امین‌الضرب، ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۱۵ هـ‌ق./۲۰ سپتامبر ۱۸۹۷ و ۶ صفر ۱۳۱۶ هـ‌ق./ ۲۶ ژوئن ۱۸۹۸، در *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۲۸۳.

[۶۷] حاجی سید محمدتقی شیرازی به امین‌الصرب، ۱۶ رمضان ۱۳۰۶ق/۱۶ مه ۱۸۸۹م در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۴۶۵.

[۶۸] مالمیری، *خاطرات مالمیری*، ۶۷.

[۶۹] حاجی سید محمدتقی شیرازی به امین‌الصرب، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ق/۲۰ سپتامبر ۱۸۹۷م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۲۸۳.

[۷۰] یادداشت‌های سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۸ق/۱۸۹۰-۱۸۹۱ تا ۱۸۹۴-۱۸۹۵؛ و علی‌نقی اشتری مباشر گمرکات یزد خطاب به امین‌الضرب، ذوالقعده ۱۳۱۰ق/مه-ژوئن ۱۸۹۳ در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۴۰، ۵۹ و ۳۳۰-۳۳۱۰.

[۷۱] علی‌نقی اشتری به امین‌الضرب، رمضان ۱۳۰۸ق/آوریل-مه ۱۸۹۱م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۳۳۱.

خط مستقیم تجاری شرق ایران، یعنی از بندرعباس در جنوب‌شرقی به خراسان در شمال‌شرقی ایران، قرار داشت.[۷۲] گمرک کالاهایی که از طریق بندرعباس به مقصد خراسان وارد ایران می‌شد و مسیر عکس آن ۲ درصد بود و این کالا در بندرعباس و خراسان نیز به ترتیب شامل ۵ درصد و ۳ درصد گمرک می‌شد.[۷۳] سوای آن، کالا در عبور از یزد نیز شامل گمرکی با نام راهداری می‌شد.[۷۴]

در سال ۱۲۷۰ش/۱۸۹۱-۱۸۹۲م که میرزا محمدتقی شیرازی برای نخستین‌بار عهده‌دار گمرک یزد شد، گمرک کالاها را در خط بندرعباس به خراسان به نصف تقلیل داد و گمرک را برای بندر عباس، یزد و خراسان به ترتیب به ۲/۵، ۱/۵، و ۲ درصد رساند.[۷۵]

سؤال اینجاست که چرا سید محمدتقی باید چنین مبلغ گزافی برای گرفتن مقاطعهٔ گمرک یزد بپردازد و سپس از گمرک یزد ۲۵ درصد و از گمرک بندرعباس ۵۰ درصد و از گمرک خراسان ۳۳ درصد کسر کند. یکی از پاسخ‌هایی که می‌توان به این پرسش داد این است که می‌خواست در برابر تجار خارجی که از پرداخت گمرک معافیت زیادی داشتند، کمکی به تجار ایرانی بکند تا بتوانند تجارت خود را توسعه دهند. کاهش گمرکات امری پیشرفته و فکری مترقی پشت سر خود داشت، زیرا کاستن تعرفهٔ گمرکی موجب بالا رفتن حجم تجارت و در نتیجه کسب درآمد بیشتری می‌شود. دلیل دیگر که همسو با پاسخ بالاست شاید این باشد که قصد داشت با پایین آوردن تعرفهٔ گمرکی یزد موقعیت بازرگانی این شهر را مستحکم سازد و تجار ایرانی تشویق شوند تا شهر یزد را برای ترانزیت کالاهای خود از مرکز ایران به شرق یا از جنوب‌شرق ایران به شمال‌شرق انتخاب کنند. باید به خاطر داشت که

---

[۷۲] یزد نزدیک‌ترین شهر جنوب ایران به بندرعباس و با راهی با موانع طبیعی تقریباً کمتر به آن بندر بود. اما این یگانه اهمیت این شهر نبود. این شهر بزرگ‌ترین جمعیت زرتشتی ایران را در خود داشت که در ایجاد روابط تجاری با هند که مستعمرهٔ انگلیس بود کوشیده بودند و تجارت بزرگی را در شرق ایران در انحصار خود داشتند.

Curzon, *Persia and the Persian Question*, vol. 2, 241-242; Mahdavi, *For God, Mammon, and Country*, 69.

[۷۳] علی‌نقی اشتری به امین‌الضرب، ذوالقعده ۱۳۱۰ق/مه-ژوئن ۱۸۹۳م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۳۳۱.

[۷۴] آقاعلی‌نقی هرندی به امین‌الضرب، ۹ ذوالقعده ۱۲۹۴ق/۱۵ نوامبر ۱۸۷۷م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۳۲۱.

[۷۵] علی‌نقی اشتری به امین‌الضرب، ذوالقعده ۱۳۱۰ق/مه-ژوئن ۱۸۹۳م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۳۳۱.

در آن زمان، ناصرالدین‌شاه (ح. ۱۸۴۸-۱۸۹۶) انحصار کشت و فروش تنباکو را به کنسرسیوم انگلیسی جرالد تالبوت فروخته بود و روس‌ها شاه را در فشار گذارده بودند تا در عوض انحصار تریاک را نیز به ایشان واگذار کند. در چنین موقعیتی، ارزان شدن گمرک شهر یزد نه فقط به حجم تجارت شهر می‌افزود، بلکه برای سید محمدتقی و خانوادهٔ شیرازی نیز سودآور بود.

تجارت ابریشم یکی دیگر از اقلام دادوستد تجارتخانهٔ شیرازی بود. گیلان یکی از مراکز تولید ابریشم و بافت آن در ایران به شمار می‌رفت. با این حال، یزد "عالی‌ترین نوع ابریشم" را تولید می‌کرد و ابریشم‌بافان (شَعربافان) آن شهر قادر بودند که مرغوب‌ترین نوع پارچه‌های ابریشمین (شاه‌ابریشم) را از یک مَن (تقریباً ۳ کیلو) نخ ابریشم تولید کنند که در نتیجه، کالای ابریشمین یزدی از کالاهای مشابه بافته‌شده در گیلان و دیگر نقاط ارزان‌تر تولید می‌شد.[۷۶]

خانوادهٔ شیرازی در یزد از احترام بسیاری برخوردار بودند. با آنکه هرگز آشکار به تبلیغ آیین بابی‌ـ بهائی نپرداختند، اما بسیاری از اهالی یزد از طریق ایشان به این دین پیوستند. مالمیری که خود از تجار یزد و نمایندهٔ شرکت تجاری شیرازی بود می‌نویسد که شهرت خانوادهٔ شیرازی به سید بودن و رفتار مطبوع و مهرآمیز ایشان با دیگران، تقوا، صداقت، امانت‌داری و دانایی ایشان کافی بود که بسیاری از مردم یزد را به دیانت بابی‌ـ بهائی جذب کند. مالمیری اضافه می‌کند با آنکه خانوادهٔ شیرازی از تجار عمده‌فروش و صاحب ثروت فراوان، تجارتخانهٔ بزرگ و تعداد زیادی منشی (دفتردار) و نوکر (خادم) و کارمندان (کارکُن) بودند، با این حال فروتنی و افتادگی خود را از دست ندادند. مالمیری می‌نویسد این رفتار و اخلاق مردم شهر را عمیقاً متعجب می‌ساخت و بر احترام ایشان به این خانواده می‌افزود.[۷۷] به شهادت مالمیری،

تجارت عمدهٔ شهر یزد با آقایان افنان بود وچنان سلوک ورفتاری با جمهور ناس می‌فرمودند که اعلی و ادنی، و صغیر و کبیر، و فقیر وغنی، و عالم و جاهل، و فاسق و متقی، طراً در غیاب و شهود می‌گفتند اینها فرشتهٔ آسمانی هستند. سید اولاد رسول اینها هستند، ما کار به عقیدهٔ آنها نداریم، هر چه هستند سید اولاد پیغمبرند.[۷۸]

---

[۷۶] حاجی سید محمدتقی شیرازی به امین‌الضرب، ۲۴ رجب ۱۳۰۷ق/۱۶ مارس ۱۸۹۰م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۴۲۷.

[۷۷] مالمیری، *خاطرات مالمیری*، ۶۰.

[۷۸] مالمیری، *خاطرات مالمیری*، ۶۰.

قضاوت مالمیری در خصوص تشابه رفتار خانوادهٔ شیرازی با فرشتگان آسمانی ممکن است یک‌جانبه و غلوآمیز به نظر آید، ولی می‌بینیم که یکی از بزرگ‌ترین و ثروتمندترین تجار ایران در اواخر قرن نوزدهم، آقا محمدحسن اصفهانی معروف به امین‌الضرب، روابط دوستانه‌ای با میرزا محمدتقی داشته و او را علی‌رغم اعتقادش به آیین بهائی در مقام همکار تجاری خود محترم می‌داشته است. امین‌الضرب به نمایندهٔ خود در یزد می‌نویسد:

> سفارش حقیر را به حاجی میرزا محمدتقی بفرمایید که ساکن کاروانسرا هم هست، اگرچه بعضی حرف‌ها دربارهٔ او و سلسلهٔ او می‌زنند [به احتمال دربارهٔ اینکه دیانتشان بهائی است] لکن تدین دارد [و مردم] نباید بی‌تدین باشد.[۷۹]

بسیاری از تجار مسلمان که با میرزا محمدتقی دادوستد داشته‌اند به احتمال فراوان همین نظر عمل‌گرایانهٔ حاجی امین‌الضرب را دربارهٔ دیانت میرزا محمدتقی داشته‌اند. به نوشتهٔ غلامرضاخان، که در سال ۱۲۹۹ هجری مستاجر گمرک یزد وکرمان بود، "این حضرات سادات شیرازی در یزد از همهٔ تجار معتبرتر و محترم هستند."[۸۰] اما دادوستد تجاری در حد خود نمی‌توانست ضمانتی برای روابط دوستانهٔ یک تاجر شیعی با یک تاجر غیرمسلمان قرار گیرد. بر اساس پژوهش رانین کاظمی، غالباً می‌توان در نامه‌های تجار مسلمان به یکدیگر "احساسات خصمانهٔ نیمه‌خفتهٔ مذهبی" را پنهان دید. علاوه بر آن، این احساسات دربارهٔ "تجار زرتشتی و بابی [بهائی] قوی‌تر بود،" مخصوصاً اگر غیرمسلمین از لحاظ اجتماعی و مالی پایگاه بالاتری داشتند. در آن صورت، احتمال اینکه "مورد حمله وحشیانهٔ عوام" قرار گیرند وجود داشت.[۸۱]

در ایران، بنا به سنت، دو طبقهٔ روحانیون و تجار همواره دارای روابط نزدیک و دوستانه‌ای با یکدیگر بوده‌اند. اکثریت قابل ملاحظهٔ تجار ایران مردمان معتقد و مذهبی بودند و آنچه از سوی تجار به عناوین مختلف مذهبی به علما داده می‌شد، از منابع مهم و مؤثر مالی ایشان به شمار می‌آمد. بنابراین، هنگامی که در مواردی مانند

---

[۷۹] آقا محمدحسن اصفهانی به شخصی نامعلوم [احتمالاً نمایندهٔ خود در یزد]، ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۱۵ق/۸ مه ۱۸۹۸م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۱۰۶.

[۸۰] غلامرضاخان به امین الضرب، جمادی الثانی ۱۲۹۹ق/آوریل ۱۸۸۲م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۲۵۰.

[81] Ranin Kazemi, "'Neither Indians, Nor Egyptians:' Social Protest and Islamic Populism in the Making of the Tobacco Movement in Iran, 1850 – 1891" (PhD Dissertation, Yale University, 2012), 352.

قضیهٔ شورش تنباکو در سال ۱۸۹۰-۱۸۹۱ منافع تجار به خطر می‌افتاد، علمای شیعه به پشنیبامی از ایشان علیه دستگاه سیاسی برمی‌خاستند. با توجه به روابط صمیمانه بین دو نهاد روحانیت و تجار و نیز با در نظر گرفتن دشمنی دیرینهٔ علما نسبت به آیین بابی‌ـ‌بهائی، می‌توان حضور نوعی دشمنی علیه تجار بهائی را در میان تجار مسلمان امری بدیهی دانست.

محمدتقی و مجلس نمایندگان تجار

در ایران به شکل سنتی در هر شهری از میان تجار شخصیت محترم و معتبری با نام "ملک‌التجار" برای حفظ منافع دیگر تاجران انتخاب می‌شد. در سال‌های دههٔ ۱۸۸۰ چنین احساس شد که نهاد ملک‌التجار نمی‌توانست چنان که شایسته بود از عهدهٔ انجام این وظیفه برآید. اگر چه شورایی با نام "مجلس تجار" وجود داشت که به مواردی چون اختلافات تجار با یکدیگر یا دیگر اصناف مثل بازرگانان خارجی، صرافان، دلال‌ها و غیره در حضور ملک‌التجار رسیدگی می‌کرد، مشکلات روزافزون دیگری نیز بود که این نهاد توانایی رسیدگی به آنها را نداشت. از جمله بود مداخلات علما در کار تجارت از طریق محاکم شرعی در امور تجاری و مالی، و دخالت‌های حاکمان محلی که دائم در پی اخاذی از تجار بودند. در اواسط دههٔ ۱۸۸۰، تجار بزرگ ایران درصدد ایجاد اصلاحاتی در این زمینه برآمدند. در سال ۱۸۸۴، تجار تهران با در نظر گرفتن همهٔ جوانب و جزئیات پیشنهادی برای چنین اصلاحاتی تهیه کردند که فوراً به تصویب ناصرالدین‌شاه رسید و بر آن اساس، "مجلس وکلای تجار" تأسیس شد.[۸۲]

حاجی میرزا محمدتقی یکی از تجاری بود که نظریاتش محل توجه و احترام بود و آن را با دیگر تجار و مخصوصاً حاجی امین‌الضرب در میان می‌گذاشت. وی این اصلاحات را برای آنکه روابط بین تجار و دولت مرکزی و حکومت‌های محلی را روشن می‌ساخت و از تجار در برابر مقامات دولتی جانبداری می‌کرد ضروری می‌دانست و در قامت تاجری که شبکهٔ بین‌المللی تجارتی را اداره می‌کرد و با ایمانش به دیانتی که مروج مدرنیته بود به پشتیبانی از تشکیل مجلس وکلای تجار برخاست. وی چنین گامی را هم‌جهت با پیشرفت "عموم تجار" و "تحصل معاش" می‌دانست. به اعتقاد او، هر دادوستدی می‌بایست

[82]Gilbar, "The Rise and Fall of the *Tujjār* Councils," 640-41.

"میـزان و قاعـده‌ای" داشـته باشـد و اگـر آن مجالس بر این اسـاس اسـتوار شـود، "موجـب ازدیـاد شـهرت و نیک‌نامی و ترقـی تجارت ایـران خواهد گردیـد."[۸۳] وی همچنیـن بـر این باور بـود که موفقیت ایـن اصلاحات "نیازمند پشـتیبانی دولت" و انتخـاب افـرادی به عضویت مجلس اسـت کـه "مورد اطمینان و صادق" باشـند. وی همچنین پیشـنهاد کرد چنین مجالسـی باید "کاروانسـرای محلی" مسـتقل داشـته باشـد، جـدا از سـاختمان‌های دولتـی تا از احتمـال مداخلـهٔ اهل حکومت در کار تجـار جلوگیـری شـود. همچنیـن، از آنجا که عضویت در چنین مجالسـی مسـتلزم صـرف وقـت بسـیار از طـرف اعضـا و در نتیجه اختـلال در امـور تجاری ایشـان می‌شـد، خواهان اتخاذ روشـی شـد کـه اعضا بتواننـد هم بـه وظایف خود در مجلـس بپردازنـد و هـم به امور تجاری ایشـان لطمـه‌ای نخـورد. بدین ترتیب، میـرزا محمدتقـی فقـط بـه پشـتیبانی از تشـکیل چنین مجلسـی بسـنده نکرد، بلکـه کوشـید راه‌هـای موفقیـت آن را نیـز پیشـنهاد کنـد. بـه اعتقاد او، تشـکیل چنین مجالسـی اگر بر اسـاس قوانینی بـود، آن‌گاه تجارت "بـادوام و خوش‌عاقبت [موفـق]" می‌شـد و ایـن امـر تجـار را "دعاگـوی دولـت" می‌سـاخت.[۸۴] حـاج محمدتقـی همچنیـن معتقد بـود تصویری منفی که تجـار ایران از دولـت دارند با تشـکیل چنین مجالسـی ترمیم می‌شـود و موجب آبروی بیشـتر دولت در خارج خواهـد بـود. بـه نظـر او، ایـن امر نـه فقط بـر درآمد تجـار می‌افـزود، بلکـه ازدیاد دادوسـتد بـه نفـع خزانـهٔ دولت نیـز می‌بود.

عمر مجلس وکلای تجار کوتاه بود و به سـرعت اوضاع نابسـامان سـابق در عرصهٔ تجـارت حکم‌فرما شـد. هیچ مرجعـی برای حمایـت تجار در مقابـل حکومت‌های محلـی وجـود نداشـت و در مواقعـی که تجـار مورد ظلـم واقع می‌شـدند، به ناچار بـه افـراد بـا نفـوذی از صنف خـود، مثل حاجـی امین‌الضرب، متوسـل می‌شـدند. شـاید بدیـن سـبب بـود کـه در ۱۵ ژوئیـه ۱۸۸۸ میـرزا محمدتقـی نامـهٔ زیـر را خطاب بـه امین‌الضرب نوشـت:

---

[۸۳] حاجی سید محمدتقی شیرازی به امین‌الضرب، ۲۵ شعبان ۱۳۰۱ق/۲۰ ژوئن ۱۸۸۴م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۲۳۹.

[۸۴] حاجی سید محمدتقی شیرازی به امین‌الضرب، ۲۸ ذوالحجه ۱۳۰۱ق/۱۹ اکتبر ۱۸۸۴م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۲۴۰.

مالیات [اجارهٔ] قنات[۸۵] حسن‌آباد ۷۰۰ تومان [در سال] است. ساکنان کیسنویّه آن را اجاره کرده‌اند. دو سال پیش [۱۸۸۶] قنات ویران شد [و قابل استفاده نبود]. سال پیش [۱۸۸۷] سهام‌السلطنه [وزیر مالیهٔ یزد] تجار را احضار کرد و [به سبب ویرانی قنات و عدم محصول کشاورزی] موافقت نمود که تخفیفی معادل ۱۰۰۰ تومان به ۳۲ نفر از تجار [احتمالاً به جمع آنها و برای یک بار] داده شود و اینجانب [میرزا محمدتقی] برای هر سال ۱۰۰ تومان از این مالیات تخفیف بگیرم. ولی فرمانی [از سوی شاه] نیامد و تجار هم کاری در این مورد انجام ندادند. امسال [۱۸۸۸] که وزارت مالیهٔ یزد به میرزا محمد وزیر داده شده، وی چند بار از تجار خواسته است که مالیات خالصه [زمین‌های دربار] را بپردازند . . . و این علی‌رغم توافق قبلی با سهام‌السلطنه مبنی بر تخفیف مالیات برای ویرانی قنات است. در نتیجه، ما دو تلگراف برای امین‌السلطان [رئیس الوزراء] فرستادیم و پاسخی آمد که آن را به وزیر مالیهٔ یزد دادیم. با آنکه مطالب را نوعی دیگر به امین‌السلطان گزارش داده بودند، با این حال او فرمان داد که باید قول سهام‌السلطنه محترم شمرده شود و سال آینده [۱۸۸۹] قرار تخفیف عملی گردد. اما وزیر بدون توجه به فرمان او هنوز خواهان پرداخت مبلغ کامل مالیات از سوی تجار است. هر قدر به او می‌گوییم که به خاطر ویرانی قنات هیچ زراعتی میسر نشد و محصولی برداشت نگردید که مشمول مالیات باشد، او پافشاری می‌کند که باید تمامی مالیات، به مبلغ ۲۸۰۰ تومان، از سوی تجار پرداخت گردد. رعیت قدرتی ندارد [که در مقابل این ظلم بایستد] و سهام‌السلطنه حال در تهران است. خواهشمندم کمک کنید این مشکل حل شود.[۸۶]

این نامه چند مطلب را دربارهٔ میرزا محمدتقی شیرازی بر ما معلوم می‌دارد. نخست آنکه علی‌رغم ایمان او به آیین بهائی، پایگاه بالایی در میان تجار مسلمان داشت. یکی به علت تخفیف بیشتری که از سایر تجار به او تعلق می‌گرفت و دیگر به

---

[۸۵] قنات یا کاریز روشی باستانی برای به دست آوردن آب از منابع آب زیرزمینی و انتقال آن به سطح زمین برای آبیاری در مزارع و کشتزارهاست. بنگرید به
Xavier de Planhol, "Kārız," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2017), at http://www.iranicaonline.org/articles/kariz-parent/.

[۸۶] حاجی سید محمدتقی شیرازی به امین‌الضرب، ۶ ذوالقعده ۱۳۰۵ق/۱۵ ژوئیه ۱۸۸۸م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۱۳۲.

سبب بهره‌مندی‌اش از روابط دوستانهٔ مطلوب با حاجی امین‌الضرب، ثروتمندترین و پُراهمیت‌ترین تاجر اواخر قرن نوزدهم ایران. سوم آنکه پایگاه اجتماعی و احترام و حیثیت او—لااقل در یزد—چنان بود که می‌توانست در مقام نمایندهٔ تجار، در موارد مورد اختلاف، به عنوان ملک‌التجار آنان با حکومت محل یا دیگر مقامات وارد گفت‌وگو و مذاکره شود.[۸۷] سرانجام اینکه نه فقط به امور مالی و تجاری خود و دیگر تجار توجه داشت، بلکه نگران زندگی سخت رعایا نیز بود. در کل، نامهٔ بالا نشان‌دهندهٔ شرایط سخت تجار ایرانی در دورهٔ قاجار و پیش از انقلاب مشروطیت ایران است. این نامه گویای خودسری حکام محلی نیز هست که حتی فرمان شاه و صدراعظم را برای منافع خود زیر پا می‌گذاردند.

تشکیل مجلس وکلای تجار در یزد مدتی به طول انجامید. همزمان با تصویب آن به دست ناصرالدین‌شاه، حاکم اصفهان و یزد، مسعودمیرزا ظل‌السلطان (۱۹۱۸-۱۸۵۰)، در اواسط سال ۱۸۸۴ اجازهٔ تشکیل مجلس یزد را صادر کرد. با این همه، این مجلس که حاجی میرزا محمدتقی عضو برجستهٔ آن به شمار می‌رفت، تا پایان سال ۱۸۸۵ شکل نگرفت. پس از آن، مجلس هر هفته یک یا دو بار تشکیل جلسه می‌داد، ولی ظاهراً دخالت‌ها و کارشکنی‌های مأموران حکومتی مانع انجام فعالیت‌های آن بود.[۸۸]

دلیل اینکه چرا بین صدور اجازه برای مجلس وکلای تجار یزد و تشکیل آن مدت زمانی فاصله افتاد معلوم نیست. با آنکه صدور فرمان تشکیل مجالس وکلای تجار در سراسر ایران (ژوئیه ۱۸۸۴)[۸۹] همزمان با اجازهٔ حاکم یزد مبنی بر تشکیل آن در یزد است، مجلس یزد هنگامی شکل گرفت که ماه‌ها قبل از آن، یعنی در فوریه یا مارس ۱۸۸۵، ناصرالدین‌شاه فرمان قبلی خود مبنی بر تشکیل چنین مجالسی را لغو کرده بود.[۹۰]

---

[۸۷] برای مثال می‌توان به پادرمیانی او در اختلاف بین تجار مسلمان و مسیحی در خصوص محمولهٔ شکر از روسیه اشاره کرد. در این اختلاف حتی صدر اعظم وقت، امین‌السلطان، مجبور به دخالت شد. این قضیه در نامه‌های آقا محمدحسن اصفهانی از یزد به امین‌الضرب نیز در تاریخ‌های ۸، ۱۵، ۲۲ ذوالحجه ۱۳۱۷ق/ ۹، ۱۶، ۲۳ آوریل ۱۹۰۰م و نامه‌های ۱۳ و ۲۷ محرم ۱۳۱۸ق/۱۳ و ۲۷ مه ۱۹۰۰م، و نامهٔ ۲۶ صفر ۱۳۱۸ق/۲۵ ژوئن ۱۹۰۰م آمده است. بنگرید به امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۳۳۷-۳۴۰.

[۸۸] نامهٔ میرزا محمد وزیر به امین‌الضرب، ذوالحجه ۱۳۰۵ق/اوت ۱۸۸۸م؛ حاجی محمدحسن ریسمان‌فروش به امین‌الضرب، جمادی‌الاول ۱۳۱۵ق/اکتبر ۱۸۹۷م و ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۱۲ق/۲۸ نوامبر ۱۸۹۴م؛ آقا محمدحسن اصفهانی به امین‌الضرب، ۵ جمادی الاول ۱۳۱۵ق/۵ اکتبر ۱۸۹۷م، در امین‌الضرب، *یزد در اسناد امین‌الضرب*، ۲۴۱-۲۴۲.

[89] Gilbar, "The Rise and Fall of the Tujjār Councils," 639.

[90] Gilbar, "The Rise and Fall of the Tujjār Councils," 639.

یک علت چنین تأخیری ممکن است با ویژگی‌های اخلاقی ظل‌السلطان، حاکم مقتدر اصفهان و یزد، مرتبط باشد که در آن موقع "یک‌سوم از ایالت‌های ایران در تحت حکومت او بود."[۹۱] وی بزرگ‌ترین فرزند ناصرالدین‌شاه بود، ولی چون مادرش از ایل قاجار نبود نمی‌توانست ولیعهد ناصرالدین‌شاه باشد. ساموئل بنیامین (Samuel G. W Benjamin, 1837-1914) که در سال‌های ۱۸۸۳ و ۱۸۸۴ نخستین وزیرمختار امریکا در ایران بود، پس از ملاقاتی با ظل‌السلطان او را "دارای شخصیتی قوی،" بسیار جاه‌طلب، حیله‌ورز، و کسی می‌داند که "هرگز حاضر نیست اجازه دهد کسی حقوق طبیعی او را زیر پا گذارد."[۹۲] ظل‌السلطان در دهۀ ۱۸۸۰ برای خود درباری مجازی با ارتشی قوی ترتیب داد و قدرت خود را حتی بر علمای پُرنفوذ و طبقۀ تجار و اشراف تسری داد. از آنجا که یکی از اهداف مجالس نمایندگان تجار محدود ساختن دخالت حکام ایالات در کار تجارت بود، لذا بسیار محتمل است که ظل‌السلطان و دیگر حکام ایالات خواسته باشند مانع تشکیل چنین مجالسی شده یا تشکیل آن را به تأخیر بیندازند. اگر چنین باشد، می‌توان دریافت که چرا تشکیل مجلس وکلای تجار یزد وقتی صورت گرفت که ناصرالدین‌شاه در پایان سال ۱۸۸۰ ظل‌السلطان را از فرماندهی قوای نظامی و حکومت همۀ ایالات، جز اصفهان، خلع کرده بود.[۹۳] هر چه بود، عضویت حاجی میرزا محمدتقی شیرازی در مجلس نمایندگان تجار یزد نشان دیگری از احترام و اعتقاد تجار یزد به امانت‌داری و صداقت اوست.

محمدتقی وکیل‌الدولۀ روس، نمایندۀ تجاری روسیه در یزد

از اوایل قرن نوزدهم و به‌خصوص در نیمۀ دوم این قرن، قدرت‌های اروپایی و مخصوصاً روسیه و انگلیس در پی ازدیاد نفوذ و منافع خود در ایران بودند. یکی از راه‌های رسیدن به این هدف استفاده از رجال پُرنفوذ ایران مثل وزرا، دیپلمات‌ها، علما، دانشجویان ایرانی که در خارج تحصیل می‌کردند، و تجار بود. روش دیگر استفاده از راه‌های اقتصادی بود. در ربع قرن آخر قرن نوزدهم، نفوذ اقتصادی قدرت‌های اروپایی مخصوصاً از طریق امتیازات اقتصادی شدت گرفت. این امتیازات به دولت‌های خارجی یا شرکت‌های خصوصی خارجی و از طریق دادن قرضه به دولت ایران و یا افراد، مخصوصاً تجار، از سوی بانک‌های دولتی یا خصوصی اروپایی صورت می‌گرفت.

---

[91] A. Walcher, *In the Shadow of the King*: *Zill al-Sultān and Isfahān under the Qājārs* (London and New York: I. B. Tauris, 2008), 79.

[92] S. G. W. Benjamin, *Persia and the Persians* (London: John Murray, 1887), 185-186.

[93] Walcher, *In the Shadow of the King*, 79 and 91.

بعد از قرارداد ترکمانچای در سال ۱۸۲۸، اتباع خارجی—ابتدا روس‌ها و سپس اتباع دیگر کشورهای اروپایی—هر چه بیشتر از مزایای قانونی در ایران بهره‌مند می‌شدند و در ضمن گمرک کالاهای تجاری ایشان نیز کمتر از گمرک تجار ایرانی بود. امتیاز گمرکی که به تجار خارجی داده شد ضربهٔ بزرگی به تجارت ایران وارد آورد و برخی از تجار را به ورشکستگی کشاند. برای دور زدن این مشکل بسیاری از تجار ایران به تابعیت کشورهای اروپایی و معمولاً روسیه درآمدند.

در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم که فعالیت‌های اقتصادی روسیه در ایران رو به افزایش می‌رفت، دولت روسیه—سوای داشتن سفارت در تهران و کنسولگری در بیشتر شهرهای ایران—کوشید تا افرادی را در شهرهای متفاوت به عنوان نمایندهٔ تجاری آن کشور برگزیند. این اشخاص غالباً از روس‌های ساکنان ایران و برخی نیز ایرانیانی با تابعیت روسیه بودند. در اواخر دههٔ ۱۸۸۰ با ازدیاد معاملات تجارتی روسیه با یزد، آن کشور درصدد انتخاب نماینده‌ای در آن شهر برآمد و حاجی میرزا محمدتقی شیرازی مورد توجه نمایندگی دولت روسیه در ایران قرار گرفت. در شعبان ۱۳۰۶ق/آوریل ۱۸۸۹م، دولت روسیه از حاج میرزا محمدتقی دعوت کرد که نمایندگی تجاری روسیه را در آن شهر بپذیرد.[۹۴] وظایف نمایندهٔ تجاری روس بر اساس نامه‌ای که دیلماج سفارت در تهران به فارسی نگاشته چنین است:

> در موارد اختلاف بین تجار روسی و دیگران شما باید در حل اختلاف ایشان کوشش کنید و البته نباید اجازه دهید هیچ حقی از تبعهٔ روس ضایع گردد و اگر مشکلی حل نشد، باید سفارت روسیه را از آن مطلع سازید تا سفارت کوشش در حل آن مشکل نماید.[۹۵]

---

[۹۴] سفارت روسیه در تهران به حاجی میرزا محمدتقی وکیل‌الدوله، تهران ۲۲ شعبان ۱۳۰۶ق/۲۳ آوریل ۱۸۸۹م (۱۰ آوریل ۱۸۸۸ در تقویم ژولیانی)،
Rossiiskii Gosudarstvennyi Istoricheskii Arkhiv (S-Peterburg)
[آرشیو تاریخی روسیه (سن‌پتربورگ)]، فوند (سریال) شمارهٔ ۵۲۸ ["مأموریت در ایران"]، اوپیس (محتوای فوند) ۱، سال‌های ۱۸۸۹—۱۹۰۴، دلو (فایل) ۱۵۹۶، ص ۱ (کپی) [از این به بعد: "مأموریت در ایران"].
تقویم ژولیانی از سال ۱۹۱۸ در روسیه به کار گرفته شد و به جهت تفاوت‌هایی که بین این تقویم با تقویم گریگوری وجود دارد، در این مقاله از این پس همهٔ تاریخ‌های ژولیانی به تاریخ گریگوری تبدیل شده و تاریخ‌های ژولیانی (با علامت ت ژ) در پرانتز آمده است. در مدتی که حاجی میرزا محمدتقی در این سمت بود، معمولاً با لقب "وکیل‌الدولهٔ روس" شناخته می‌شد. در مکاتبات دولت روس از وی با عنوان "وکیل‌الدولهٔ روسیه در یزد" نام برده شده است.

[۹۵] سفارت روسیه در تهران به حاجی میرزا محمدتقی وکیل‌التجار، ۲۲ شعبان ۱۳۰۶ق/۲۳ آوریل ۱۸۸۹م (۱۰ آوریل ۱۸۸۹ت ژ)، "مأموریت در ایران،" ۱. قوام‌الدوله، وزیر امور خارجه، سپس تأکید می‌کند که محمدتقی مخصوصاً "باید از تبعهٔ روس که از یزد عبور می‌کنند و یا آنان که به خاطر تجارتشان به این شهر رفت و آمد دارند محافظت نماید." قوام‌الدوله به جلال اقبال‌الملک (حاکم یزد)، تهران ۲۲ شعبان ۱۳۰۶ق/۲۳ آوریل ۱۸۸۹م (۱۱ آوریل ۱۸۸ت ژ) که روی کپی نامهٔ سفارت روس به محمدتقی وکیل‌التجار نوشته. تهران ۲۲ شعبان ۱۳۰۶ق/۲۳ آپریل ۱۸۸۳م (۱۰ آوریل ۱۸۸۹ ت ژ)، "مأموریت در ایران،" ۱.

محمد تقی شیرازی این سمت را پذیرفت.[۹۶] بدین ترتیب، عنوان کنسول تجاری روسیه در یزد را یافت.[۹۷] داشتن چنین مقامی امر کوچکی نبود، زیرا با خود لقب وکیل‌الدولهٔ روس و نشان بزرگ طلا از سوی دولت روسیه را به همراه می‌آورد و به او اجازه می‌داد پرچم روسیه را بر بالای خانه‌اش نصب کند. سوای اینها منافع دیگری نیز از این شغل شامل او می‌شد؛ مثل مصونیت‌های قانونی، در امان بودن از آزارهای مذهبی، و داشتن قراول شبانه‌روزی برای حفظ او و خانواده‌اش.

با توجه به سرکوب و آزار بهائیان ایران و از جمله سرکوب‌های اقتصادی، پرسش اینجاست که چرا دولت روسیه از میان همهٔ تجار یک بهائی را به عنوان نمایندهٔ تجاری خود در یزد انتخاب کرد و نیز، با توجه به اینکه مناطق شمالی ایران به شکل طبیعی برای دولت روسیه بیشتر اهمیت داشت، چرا قرعهٔ انتخاب نمایندهٔ تجاری به نام یزد افتاد؟

در خصوص پرسش نخست باید به احترام و اطمینانی که تجار یزد به حاجی میرزا محمدتقی داشتند و سابقهٔ پاک و بدون خدشهٔ او توجه کنیم. اگرچه چنین استدلالی یگانه علت انتخاب او به این سمت نبود. عبدالله شهبازی علت دیگری را مطرح می‌کند و می‌نویسد که انتخاب حاجی میرزا محمدتقی به سبب کوشش‌های آقا علی‌حیدر شیروانی بهائی [روس‌تبار]، عضو بانفوذ سفارت روس و طرف تجاری خانوادهٔ شیرازی/ افنان، بود.[۹۸] اگر چنین نظریه‌ای درست باشد نشان آن است که محمدتقی در این قضیه از حمایت همبستگی‌های اجتماعی نیز بهره‌مند بوده است.

انتخاب حاجی میرزا محمدتقی به سمت نمایندهٔ تجاری روس به عللی چند اهمیت داشت. نخست آنکه حوزهٔ تجارت او و خانواده‌اش را نه فقط در ایران، بلکه در روسیه

---

[۹۶] تلگراف محمدتقی شیرازی به سفارس روس در تهران، یزد، ۲۹ شعبان ۱۳۰۰ق/۳۰ آوریل ۱۸۸۹م (۱۸ آوریل ۱۸۸۹ ت ژ)؛ و به عرب صاحب (مترجم سفارت روس در تهران)، یزد، تاریخ دریافت ۱۰ مه ۱۸۸۹م (۲۸ آوریل ۱۸۸۱ ت ژ)، "مأموریت در ایران،" ۲.

[۹۷] "گزارش کاپیتان تومانسکی معاون فرماندهی ارتش ناحیه ماوراء خزر در مورد سفرش به ایران (۱۸ مارس تا ۱۵ نوامبر ۱۸۹۴) " (محرمانه)، (احتمالاً از عشق‌آباد) (بدون تاریخ) (احتمالاً اواخر نوامبر-اوایل دسامبر ۱۸۹۴) از *Rossiiskii gosudarstvennyi voenno, istoricheskii arkhiv* [آرشیو تاریخی ارتش روسیه (مسکو)]، پروندهٔ ۱۳۹۰،۲، ۱۸۵۰. الکساندر تومانسکی افسر روس و مأمور جمع‌آوری اطلاعات دربارهٔ بهائیان عشق‌آباد و ایران و آن نواحی بود.

[۹۸] شهبازی، "جستاری در تاریخ بهائیگری در ایران." قابل ذکر است که بهائیان عبدالله شهبازی را مجادله‌پردازی می‌دانند که به سبب ساختن روایت‌های تاریخی برای نشان دادن اینکه بهائیان ایرانی دست‌نشاندهٔ قدرت‌های خارجی بوده‌اند شناخته می‌شود. در تأیید این ادعا باید گفت که نوشته‌های شهبازی در سایت شخصی خود ایشان منتشر شده‌اند واز این رو باید آنان را منابع ثانویه‌ای در نظر گرفت که همتاداوری نشده‌اند.

و مناطقی که به تازگی به تصرف روسیه در آمده بود، مثل ترکستان و حوزهٔ بحر خزر، افزایش می‌داد. دوم آنکه با ادامهٔ سرکوب و آزار بهائیان در ایران، این سمت به او امکان می‌داد که از هم‌کیشان خود در کشور یا لااقل در یزد در مقابل ظلمی که با آن روبه‌رو بودند محافظت کند.[۹۹] سوم آنکه این مقام محمدتقی را قادر می‌ساخت که در گسترش و توسعهٔ آیین بهائی در ماورای بحر خزر و ترکستان، که از اواسط دههٔ ۱۸۸۰ آغاز شده بود، بکوشد.[۱۰۰]

در اواخر دههٔ ۱۸۸۰، محمدتقی در عشق‌آباد صاحب اراضی وسیعی شده بود و توانست چندین مرکز بهائی در ترکستان برای جامعه‌های بهائی آن نقاط بنا کند.[۱۰۱] محمدتقی ابتدا در ۱۸۸۷ با تأسیس شعباتی در عشق‌آباد و بخارا فعالیت‌های تجاری خود و خانواده‌اش را در ترکستان آغاز کرد و حاجی محمدرضا اصفهانی را با عنوان "دالان‌دار" سرپرست و نمایندهٔ تجاری خود انتخاب کرد.[۱۰۲] اما پس از کشته شدن حاجی محمدرضا در ۸ سپتامبر ۱۸۸۹ به دست چند نفر از شیعیان عشق‌آباد به سبب بهائی بودن،[۱۰۳] وی پسر خود حاجی میرزا محمد شیرازی را به عنوان نمایندهٔ تجارتخانهٔ شیرازی در عشق‌آباد و بخارا انتخاب کرد.[۱۰۴] بدین ترتیب، میرزا محمدتقی علاوه بر نمایندگی تجاری روسیه در یزد، توانست منافع تجاری خانوادهٔ خود را حفظ کند و پشتیبان جامعهٔ بهائی در ایران و جوامع نوپای بهائی در ترکستان باشد. وی در توسعهٔ شهر عشق‌آباد نیز سهم مؤثری داشت. به علاوه، باید توجه داشته باشیم که جامعهٔ بهائی در اواخر دههٔ ۱۸۸۰ یکی از بزرگ‌ترین و شاید بزرگ‌ترین جامعهٔ

---

[۹۹] به نظر می‌رسد سرکوب بهائیانی که به علت رقابت‌های تجاری مورد تجاوز و غارت قرار می‌گرفتند حتی در زمانی که حاجی میرزا محمدتقی در دههٔ ۱۸۹۰ نمایندهٔ تجاری روسیه در یزد بود نیز ادامه داشت. رانین کاظمی چند نمونه را از یزد ذکر کرده است. بنگرید به

Kazemi, "Neither Indians, Nor Egyptians," 353-354.

از سوی دیگر، این امکان نیز هست که اگر به محمدتقی چنین سمتی پیشنهاد نمی‌شد یا او چنین سمتی را نمی‌پذیرفت، سرکوب‌ها از آنچه رخ داد نیز بیشتر می‌شد.

[100] Soli Shahvar, "The Baha'i Faith and Its Communities in Iran, Transcaspia and the Caucasus," in Shahvar et al., *The Baha'is of Iran, Transcaspia and the Caucasus*, vol. 1, 1-47 (esp. 19-32).

[101] Shahvar, "The Baha'i Faith and Its Communities," 22.

[۱۰۲] نامهٔ محمدتقی شیرازی به سفارت روس در تهران، یزد، ۱۶ صفر ۱۳۰۷ق/۱۲ اکتبر ۱۸۸۹، در "مأموریت در ایران،" ۴ [رسیدهٔ ۲۱ اکتبر ۱۸۸۹م (۹ اکتبر ۱۸۸۹ ت ژ)] (کپی).

[۱۰۳] برای جزئیات قتل اصفهانی و پیامدهای آن برای جامعهٔ بهائی روسیه، بنگرید به

Shahvar et al., *The Baha'is of Iran, Transcaspia and the Caucasus*, vol. 1, 21-25.

برای اسناد و مکاتبات بین دولت روسیه و دولت ایران و دادوستدهایی که بین دو دولت در این قضیه صورت گرفت، بنگرید به ع . امانت و ف . وهمن، *از طهران تا عکا: بابیان و بهائیان در اسناد دولتی قاجار* (نورث هیون، کانتیکت: نشر آشکار، ۲۰۱۶)، ۳۵۶-۳۷۲.

[۱۰۴] محمدتقی شیرازی به سفارت روسیه در تهران، یزد، ۱۲ اکتبر ۱۸۸۹م، در "مأموریت در ایران،" ۴.

دینی غیرمسلمان ایران به شمار می‌رفت. این جامعه در نقاط گوناگون ایران گسترده بود و برخی از بهائیان سمت‌های بالایی داشتند. در آن زمان، بهاءالله و عبدالبهاء در حصر عکّا بودند و محمدتقی یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های بهائی در ایران و ماورای آن به شمار می‌آمد. بنابراین، هرگاه از دیدگاه دولت روسیه بنگریم، انتخاب محمدتقی به عنوان نمایندهٔ تجاری آن دولت در یزد می‌توانست پُرمعنا باشد: بدر مقام برجسته‌ترین بهائی در ایران و عشق‌آباد با شبکهٔ بین‌المللی و قاره‌ای اقتصادی و مذهبی که از هندوستان و خلیج فارس تا ترکستان امتداد داشت،[۱۰۵] محمدتقی می‌توانست مهرهٔ موثر روسیه در "بازی بزرگ" به شمار آید.

دربارهٔ پرسش دوم که چرا روس‌ها از همهٔ شهرها یزد را برای داشتن نمایندهٔ تجاری انتخاب کردند باید توجه داشت که کوتاه‌ترین راه تجاری بین خلیج فارس و عشق‌آباد یا بخارا و کلاً ترکستان راه بندرعباس به عشق‌آباد بود که از یزد و قوچان ــ به فاصلهٔ اندکی تا عشق‌آباد ــ می‌گذشت. بنابراین، حضور نمایندهٔ تجاری روسیه در یزد برای تسهیل کار تجار روس در حمل‌ونقل کالا از بندرعباس به ترکستان و حل مشکلات ایشان ضروری بود.

طی ده سالی که محمدتقی نمایندگی تجاری روسیه را داشت، توانست در تسهیل کار بسیاری از تجار روس و نیز تجار ایرانی‌تباری که تبعیت روسیه داشتند کمک کند و با مکاتبه با حکومت محلی یا مقامات پایتخت در حل مشکلات ایشان بکوشد. در عین حال، تجارت خانوادگی خود را با گشودن دفاتری در مناطقی که روسیه تصرف کرده بود گسترش داد و در تقویت جوامع بهائی در آن مناطق کوشید. تزار روسیه به سبب خدماتش به روسیه و تجار روس به او مدال طلای استانیسلاو اعطا کرد.[۱۰۶]

محمدتقی و گسترش آیین بابی-بهائی

در پایان قرن نوزدهم پس از سال‌ها کوشش موفقیت‌آمیز در کار تجارت و گسترش تجارت خود و خانواده‌اش به سطح یک شرکت تجارتی بین‌المللی و پس از ده سال

---

[۱۰۵] "گزارش کاپیتان تومانسکی،" بخش دوم (محرمانه)، سن‌پترزبورگ، ۱۶ آوریل ۱۸۹۵، به نقل از Shahvar et al, *The Baha'is of Iran, Transcaspia and the Caucasus*, vol. 2, 80.
تومانسکی در این گزارش محرمانه می‌نویسد: "همهٔ راهنمایی‌های غصن اعظم [عبدالبهاء] توسط عوامل مخفی او از دو مسیر، یکی شمالی: باکو، انزلی، و نیز عشق‌آباد – مشهد؛ و دیگر مسیر جنوبی: بمبئی و بنادر خلیج فارس، اسکندریه، استانبول، در سراسر ایران پخش می‌شود و باکو و عشق‌آباد دو مرکز اصلی است. "

[۱۰۶] کنسولگری امپراتوری روس در اصفهان به سفیر امپراتوری روس در تهران، اصفهان ۱۱ نوامبر ۱۹۰۱م (۲۹ اکتبر ۱۹۰۱ ت ژ)، شمارهٔ ۹۱۵، در "مأموریت در ایران،" ۲۹.

ماندن در سمت نمایندهٔ تجاری دولت روسیه در یزد، حاجی میرزا محمدتقی شیرازی مصمم به کناره‌گیری از کار تجارت شد تا اوقاتش را صرف گسترش و خدمت به آیین خود کند. تسخیر مناطق شرق بحر خزر به دست دولت روسیه برای جامعهٔ ستمدیدهٔ بهائی در ایران فرصتی فراهم آورد تا با استفاده از امنیتی نسبی که در یک کشور غیرمسلمان ایجاد شده بود به آنجا پناه برند. این موقعیت از نظر رهبران جامعهٔ بهائی نیز پوشیده نماند. بدین ترتیب، مهاجرت بهائیان ایرانی ابتدا به عشق‌آباد و سپس به دیگر شهرهای آسیای مرکزی از اواسط دههٔ ۱۸۸۰ آغاز شد. این مهاجرت نه فقط آنان را از آزار و سرکوبی که دچارش بودند رها ساخت، بلکه گسترش و آبادانی مناطق جدید امکان اشتغال به کار را نیز برای ایشان فراهم آورد و در ضمن، با آزادی بیشتر برای تبلیغ دیانت بهائی مراکز بهائی‌نشین جدیدی تأسیس شد. این جوامع برای دوام خود نیاز به کار داشتند، لذا تجار ثروتمند بهائی نیز به آن مناطق رو آوردند و با خرید زمین و مستغلات و ایجاد دفاتر تجاری هم برای هم‌کیشان خود کار ایجاد کردند و هم به توسعه و تبلیغ این آیین در آن مناطق یاری رساندند. بدین ترتیب، در پایان دههٔ ۱۸۸۰ تعداد فراوانی از تجار بهائی ایرانی و از جمله خاندان شیرازی/افنان در عشق‌آباد صاحب املاک و زمین و دفاتر تجاری شدند. این خانواده کاروانسرایی در بازار عشق‌آباد با نام سرای رشتی خریداری کرد. به دستور بهاءالله، میرزا محمدتقی و دیگر تجار بهائی اراضی وسیعی در عشق‌آباد برای ایجاد تأسیسات بهائی خریداری کردند. در سال ۱۸۹۰، تعداد بهائیان عشق‌آباد به هزار نفر بالغ شد که درصد بزرگی از جمعیت آن شهر را تشکیل می‌داد و از نسبت بهائیان ایران نسبت به جمعیت کل ایران بیشتر بود.[۱۰۷] با افزونی گرفتن تعداد بهائیان عشق‌آباد، جامعهٔ بهائی در ۱۸۹۵

---

[۱۰۷] فاضل مازندرانی، *تاریخ ظهور الحق* (تهران: بی‌نا، ۱۹۷۴-۱۹۷۵)، جلد ۸، ۹۸۳. جمعیت بهائیان ایران در پایان قرن نوزدهم ۱۰۰هزار نفر تخمین زده می‌شد. با توجه به جمعیت ۱۰میلیون نفری ایران در آن زمان، بهائیان یک درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. برعکس، در پایان دههٔ ۱۸۸۰ و آغاز دههٔ ۱۸۹۰ از جمعیت ۱۰هزار نفری عشق‌آباد هزار تن ایشان بهائیان بودند که ده درصد جمعیت آن شهر را تشکیل می‌دادند. بنگرید به

P. Smith, "A Note on Babi and Baha'i Numbers in Iran," *Iranian Studies*, 17:2/3 (Spring-Summer 1984),: 296-298; G. N. Curzon, *Persia and the Persian Question* (London: Longmans, Green, and Co., 1892), vol. 1, 86n; E. Boulangier, *Voyage à Merv*: *Les Russes dans l'Asie Centrale et le Chemin de Fer Transcaspien* (Paris: Librairie Hachette, 1888), 136; E. Allworth (ed.), *Central Asia: A Century of Russian Rule* (New York and London: Columbia University Press, 1967), 98; Momen, "The Baha'i Community of Ashkhabad," 280; B. Spuler, "Ashkhabad," in *Encyclopædia Iranica*, online edition (2011), at http://www.iranicaonline.org/articles/ashkhabad/.

ه. رأفت، "جمعیّت بهائی عشق‌آباد،" *پژوهشنامه*، سال ۱، شمارهٔ ۲ (زمستان ۱۵۳ بدیع/ ۱۳۷۵ ش/۱۹۹۶م)، ۵۸-۸۹.

یک حمام دارای دوش و نیز سالنی برای اجتماعات ایجاد کرد و سپس تا ۱۸۹۷ یک مسافرخانه، یک کلینیک برای معالجهٔ بیماران، یک بیمارستان و یک دبستان پسرانه و گورستانی با نام گلستان جاوید تأسیس کرد. همچنین، کمیته‌هایی برای ترتیب امور جامعه، مراسم و جلسات دینی و دیگر فعالیت‌ها تشکیل شد.[۱۰۸]

تجار بهائی، به ویژه خانوادهٔ افنان، همچنین نقش مهمی در زمینهٔ چاپ داشتند. برای جامعهٔ بهائی که تعلیم و تربیت از اساسی‌ترین آموزه‌های آن است و تربیت کودکان وظیفهٔ دینی به شمار می‌آید،[۱۰۹] چاپ نشریات گوناگون از اهمیت فراوانی برخوردار بود. چاپ کتاب و جزوات گوناگون فقط در حوزهٔ آموزش کودکان محدود نمی‌شد، بلکه در سطح وسیع‌تر برای بحث در تعالیم بهائی و نیز برای تبلیغ دیگران به این آیین نیز مؤثر بود. نخستین بنیاد مطبوعاتی بهائی با نام "نشریات ناصری" در سال ۱۸۹۰ در بمبئی به دست حاجی سید محمد افنان، صاحب بنیاد، و به مدیریت حاجی سید آقا میرزا ابراهیم افنان تشکیل شد. سپس، در آغاز قرن بیستم، آقا سید آقا افنان بنیاد مطبوعاتی دیگری در شیراز ایجاد کرد.[۱۱۰]

در آغاز قرن نوزدهم بود که محمدتقی با تشویق عبدالبهاء خود را برای دستیابی به بزرگ‌ترین خدمت به آئینش آماده دید و آن ساختمان نخستین نیایشگاه بهائی جهان (مشرق‌الاذکار) در عشق‌آباد بود. برای اجرای این هدف و نیز به منظور انتقال شرکت تجاری‌اش به خانواده، تصمیم گرفت که از کار تجارت در یزد کناره‌گیری کند و مقدمات تأسیس شعبهٔ تجارتخانهٔ افنان را در روسیه فراهم سازد. سفارش‌نامه‌ای از سفیر روسیه در ایران دریافت کرد[۱۱۱] و در ۴ آوریل ۱۹۰۰ روانهٔ روسیه شد. در

---

[108]Shahvar, "The Baha'i Faith and Its Communities," 22 and 27; Momen, "The Baha'i Community of Ashkhabad," 284-285; A. A. Lee, "The Rise of the Bahá'í Community of 'Ishqábád," *Bahá'í Studies*, 5 (the volume titled: The *Bahá'í Faith in Russia: Two Early Instances*) (January 1979), 3. مازندرانی، *تاریخ ظهور الحق*، جلد ۸، ۹۸۱؛ و. رأفتی، "دیانت بهائی در روسیه،" *پژوهشنامه*، سال ۱، شمارهٔ ۲ (زمستان ۱۵۳ بدیع/ ۱۳۷۵ ش/۱۹۹۶م)، ۳.

[۱۰۹]برای اطلاعات بیشتر در زمینهٔ این مدارس مدرن ووضعیت آموزش در ایران در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، بنگرید به

Shahvar, *The Forgotten Schools*, 27-96.

[110]F. Vejdani, "Transnational Baha'i Print Culture: Community Formation and Religious Authority, 1890-1921," *Journal of Religious History*, 36:4 (December 2012), 499-515; G. Gonzales, "A Lost History of the Baha'i Faith, by Eric Stetson: Review," *Baha'i Library Online* (2016), at https://bahai-library.com/gonzales_stetson_lost_history/.

[۱۱۱]محمد تقی وکیل‌التجار به سفیر روسیه در تهران، یزد، ۱۱ شوال ۱۳۱۷ق/۱۲ فوریه ۱۹۰۰م، در "مأموریت در ایران،" 24a.

سر راه خود از مشهد گذشت و در آنجا علی‌رغم مخالفت و دشمنی علما، حکومت محلی و و تجار و اعیان مشهد از او استقبال کردند. از جمله کسانی که به گرمی از او استقبال کردند دوست قدیمی‌اش ناصرالملک بود که در آن زمان نایب‌التولیهٔ آستان قدس رضوی در مشهد، مرقد امام رضا امام هشتم شیعیان و یکی از مهم‌ترین اماکن مقدس مذهبی شیعیان در ایران، بود.[۱۱۲]

ساختمان نخستین مشرق‌الاذکار در اواخر ۱۹۰۲ با مراسمی شامل گذاردن سنگ بنای آن به دست فرماندار ترکستان، ژنرال دیمتری سوبُتیچ (Dimitri I. Subotich)، بالاترین مقام روسیه در ترکستان، آغاز شد[۱۱۳] که نشان تساهل دینی دولت روسیه و به رسمیت شناختن و احترام به همهٔ عقاید دینی بود. نقشهٔ بنا را استاد علی اکبر بنّا، معمار بهائی یزدی، تهیه کرد و هم او بنای ساختمان آن را همراه با مهندسی روس با نام ولکوف (Volkov)[۱۱۴] سرپرستی کرد. محمدتقی عنوان صاحب‌کار بنا را داشت. برخی از ملحقات مشرق‌الاذکار مثل سالن جلسات قبلاً در سال ۱۹۰۰ ساخته شده بود، اما کار ساختن بنای اصلی به دستور عبدالبهاء در سال ۱۹۰۲ آغاز شد.[۱۱۵] ساختمان اصلی بنا در سال ۱۹۰۶ به پایان رسید، ولی ظریف‌کاری‌های داخلی و خارجی بنا در سال ۱۹۱۹ پایان یافتند.[۱۱۶] بیشتر مخارج بنا را خاندان افنان و نیز عبدالبهاء و بهائیان ایران، از فقیر و غنی، تأمین کردند.[۱۱۷] مشرق‌الاذکار یکی

---

[۱۱۲] "حاجی محمدتقی،" بخش ۴۳، در اثر آهنگ ربّانی با نام *The Afnan Family*. ربّانی می‌نویسد که حاجی محمدتقی موفق شد در طول چند سال ناصرالملک را به آیین بهائی درآورد. هیچ منبع غیربهائی چنین امری را تصدیق نمی‌کند.

[113] R. Jackson Armstrong-Ingram, *Music, Devotions, and Mashriqu'l-Azkār* (Studies in Babi and Baha'i History 4) (Los Angeles: Kalimat Press, 1987), 11; G. Hassall, "Notes on the Babi and Baha'i Religions in Russia and Its Territories," *Journal of Baha'i Studies*, 5:3 (1993), 49; نامهٔمیرزا محمدتقی افنان به عبدالبهاء ۱۵۲/۱، در فیضی، *کتاب خاندان افنان*، ۱۰۸.

[۱۱۴] نام اول ولکوف در هیچ منبعی نیامده است.

[115] Jackson Armstrong-Ingram, *Music, Devotions, and Mashriqu'l-Azkār*, 11.

[116] H. M. Balyuzi, '*Abdu'l-Bahá: The Centre of the Covenant of Bahá'u'lláh* (Oxford: George Ronald, 1972), 110; Moojan Momen, *The Babi and Baha'i Religions,1844-1944*: *Some Contemporary Western Accounts* (Oxford: George Ronald, 1981), 442-443; Momen, "The Baha'i Community of Ashkhabad," 285; Hassall, "Notes," 49; Lee, "The Rise," 11.
فیضی، *کتاب خاندان افنان*، ۱۴-۱۰۲؛ رأفتی، "دیانت بهائی در روسیه،" ۸.

[117] A. Rabbani, "Conversion of the Great-Uncle of the Báb," *World Order* (Spring 1999), at https://bahai-library.com/pdf/r/rabbani_conversion_uncle_bab.pdf; "The Universal Appeal of the Temple", *Star of the West*, 13:10 (January 1923), 263.

از بزرگ‌تریـن عبادتگاه‌هـای دینـی در عشـق‌آباد بـود.[۱۱۸] ایـن بنا از سـوی بهائیان "یکـی از درخشـان‌ترین و ماندگارترین دسـتاوردهای تاریخ قـرن اول آیین بهائی" به شـمار آمد.[۱۱۹]

ساختمان بنای مشرالاذکار به بهای مصرف تقریباً همهٔ ثروت محمدتقی تمام شد و از ثروت اوً چیزی باقی نگذاشت. وی در ۳۰ اوت ۱۹۱۱ در ۸۱ سالگی به مرکز جهانی بهائی در فلسطین رفت و سالیان پایانی عمر خود را در کنار عبدالبهاء به عبادت پرداخت. وی نخستین کسی بود که در آرامگاه بهائی حیفا به خاک سپرده شد.[۱۲۰] عبدالبهاء او را "مردی در کمال شادی" دانست[۱۲۱] و او را یکی از ۲۴ پیری نامید که در مکاشفات یوحنا در انجیل به ایشان اشاره شده است.[۱۲۲] عبدالبهاء همچنین دو زیارتنامه در بزرگداشت او صادر کرد.[۱۲۳]

نتیجه‌گیری

در دورانـی کـه جامعـهٔ بهائی ایران دسـتخوش تهمـت، تهدید، حبس و سـرکوب بـود، اسـتثناهایی نیز وجـود داشـت، از جمله خانـوادهٔ شـیرازی/افنان و مخصوصاً حاجـی میـرزا سـید محمدتقـی شـیرازی، کـه توانسـتند موفقیت‌هایی به دسـت آورنـد. محمدتقـی از مزایای متعددی بهره‌مند بود، از جمله داشـتن لقب سـید به سـبب پایـگاه اجـدادی خود که برای او احتـرام اجتماعی و دینی می‌آورد، داشـتن نمایندگـی یـک قـدرت خارجی کـه مصونیـت دیپلماتیک بـرای او و خانـواده‌اش

---

[118] Momen, "The Baha'i Community of Ashkhabad," 286.

[119] Shoghi Effendi, *God Passes By*, 300.

[۱۲۰] برای زندگینامه‌ای کوتاه ولی مهم وکیل‌الدوله، بنگرید به
See C. M. Remey, "Haji Mirza Muhammad-Taqi, the Afnan," *Star of the West* 6:18 (7 February 1916), 156-158.

[121] Abd al-Baha, *Memorials of the Faithful*, 129.

[۱۲۲] لوح عبدالبهاء به ناطق نیسانی در *مائدهٔ آسمانی*، به کوشش اشراق خاوری (تهران: م م م ۱، ۱۹۷۳)، جلد ۹، ۲۳؛ و فیضی، *کتاب خاندان افنان*، ۱۱۷. دیگر "پیران" باب و ۱۸ تن از حروف حیّ نخستین پیروان او هستند. عبدالبهاء هویت چهار پیر باقی‌مانده را به آینده موکول کرده است.

[۱۲۳] فیضی، *کتاب خاندان افنان*، ۱۱۸-۱۲۵. یکی از دفاتر خاطرات وکیل‌الدوله در آرشیو اسناد مرکز جهانی بهائی به شمارهٔ MR 1441-F.235 ضبط است. برخی دیگر از خاطرات او را ربّانی ترجمه کرده و در اثر او درج است. بنگرید به
Rabbani, "Conversion of the Great-Uncle of the Bab."
خاطرات دیگری از وکیل‌الدوله از مکاتبات او با سید محمد، فرزند میرزای شیرازی، در اختیار افرادی از خاندان او است.

داشــت، و مقــام بــالای اجتماعــی و اقتصــادی در میــان تجار، به‌خصوص دوســتی و دادوســتد بــا افــرادی ماننــد حاجــی امین‌الضــرب. البته حاجــی محمدتقی یگانه فــردی از جامعــهٔ بهائــی نبــود کــه در دورهٔ قاجــار از امنیــت و ترقیــات اجتماعــی بهــره داشــت. در اواخــر قــرن نوزدهــم و اوایــل قرن بیســتم، بســیاری از بهائیان به طــرز چشــمگیری مقامــات بالایی در اجتمــاع ایران داشــتند.[۱۲۴] برای مثــال، میرزا حســینعلی نــوری (بهــاءالله) توانســت به ســبب قرابت خانوادگــی با میــرزا آقاخان نــوری صدراعظــم و پادرمیانــی وزیــر مختــار روس در ایران پس از واقعهٔ ســوءقصد نافرجــام چنــد بابی به جان شــاه از چنگال مــرگ بگریزد و در ســال ۱۸۵۳به عراق برود.

محمدتقی و خانوادهٔ اوحتی توانستند به علت مقام و روابط اجتماعی خود با دیگران به تبلیغ آیین بهائی بپردازند. مانند دیگر تجار بهائی، خانوادهٔ افنان نقش مؤثری در چاپ و نشر آثار بهائی داشتند که از آن جمله بود ایجاد بنیادهای نشر کتاب در بمبئی و شیراز.[۱۲۵]

گسترش فعالیت‌های تجار بهائی در شهرهای ایران یا خارج غالباً همراه با استخدام بهائیان برای ادارهٔ آن مؤسسات و در نتیجه تبلیغ آیین بهائی می‌شد. سوای آن، برخی از تجار بهائی که دارای ثروت و امکانات مالی و خواهان اشاعهٔ آیین خود بودند، مثل خانوادهٔ افنان، از عاملان تأسیس مراکز جدید بهائی‌نشین شدند. برای مثال، وقتی بهاءالله از بهائیان خواست که برای ایجاد مراکز فرهنگی و اجتماعی و بهداشتی مثل کلینیک طبی، حمام دارای دوش، مدارس دخترانه و پسرانه، کودکستان، کتابخانه و بیمارستان و غیره به خرید زمین بپردازند، محمدتقی و دیگر تجار خانوادهٔ افنان پیشگام شدند و مناطقی را در عشق‌آباد برای این اهداف خریدند. هنگامی که عبدالبهاء از محمدتقی خواست که ساختمان مشرق‌الاذکار عشق‌آباد را سرپرستی کند، بلافاصله کار تجارت را کنار گذارد و تقریباً همهٔ ثروت خود را وقف این امر مهم کرد.

---

[۱۲۴] برای آگاهی از احوال بهائیان شاخص در عصر قاجار، بنگرید به
M. Momen, "Who was a Baha'i in the Upper Echelons of Qajar Iran?" Lecture presented on 25 March 2015, at the Ezri Center for Iran and Persian Gulf Studies, The University of Haifa, at http://gulfc.haifa.ac.il/index.php/events/lecture-series/lecture-series-in-bahai-studies/415-dr-moojan-momen-on-qwho-was-a-bahai-in-the-upper-echelons-of-qajar-iran/.

[125] Vejdani, "Transnational Baha'i Print Culture," 499-515; Gonzales, "A Lost History of the Baha'i Faith."

اشتیاق محمدتقی در زمینهٔ خدمت به مقاصد آئینش او را از کمک به خانواده باز نداشت. نواحی جدیدی که در آسیای مرکزی تحت سلطهٔ روسیه درآمده بود نه فقط منطقهٔ امنی برای بهائیان ایران به شمار می‌آمد، بلکه به خانوادهٔ شیرازی امکان می‌داد که تجارت خود را به آن نواحی گسترش دهند. بدین ترتیب، در محمدتقی ثروت و ایمان به خدمت یکدیگر درآمدند. درآمد و سود او در تجارت دستمایهٔ او برای خدمت به آئینش شد و از سوی دیگر، گسترش آئینش فعالیت‌های تجاری او را ازدیاد بخشید که آن نیز به نوبهٔ خود هم برایش منافع مالی داشت و هم موجب ایجاد کار برای هم‌کیشانش در نقاط گوناگون می‌شد.

در دههٔ چهارم قرن نوزدهم، بهائیان ایران نخستین گام‌ها را برای تحول آیین بهائی به دیانتی جهانی با اعتقادات جهانی برداشتند. این جهان‌گرایی ابتدا با توسعهٔ این آیین در مناطق اطراف ایران آغاز شد. مبلغان بهائی در این نواحی پراکنده و موفق شدند جوامع بهائی را خارج از زادگاه این آئین، ایران، پدید آورند. حاجی میرزا محمدتقی شیرازی و خانوادهٔ شیرازی/افنان در این روند سهم مهمی داشتند.

با آنکه منابع کافی دربارهٔ تجار دورهٔ قاجار در دسترس نیست، در خصوص تجار بابی-بهائی در دورهٔ قاجار دست محققان تقریباً خالی است و هیچ منبعی در این زمینه وجود ندارد. خاندان شیرازی/افنان می‌تواند نمونه‌ای از تجار بابی-بهائی به دست دهد که با داشتن شبکه‌ای از شعبات فعال تجاری در داخل و خارج از ایران به واردات و صادرات کالا می‌پرداختند و شخصیت‌های شاخصی چون حاجی میرزا محمدتقی افنان در بین خود داشتند. از تجار بابی-بهائی حتی در منابع غیربهائی موجود دربارهٔ تجارت ایران نیز نام و نشانی نمی‌یابیم. این امر ممکن است بخشی از حذف نام بابی-بهائی از تاریخ مدرن ایران باشد که نه فقط در زمینهٔ تجارت، بلکه در زمینه‌های دیگر نیز صادق است. برای مثال، در هیچ منبع پژوهشی و تاریخی غیربهائی اشاره‌ای به نقش فعال و مؤثر بهائیان در حوزه‌هائی مانند تعلیم و تربیت، آزادی زنان، بهداشت، اصلاحات و توسعه، تجارت و صنایع نمی‌بینیم. دیدگاه منفی و ضد بهائی مردم و دولت‌ها از نیمهٔ قرن نوزدهم به بعد می‌تواند بخشی از علل این امر را توجیه کند.[۱۲۶]

به همین سبب امیدوارم این پژوهش نه فقط بر فعالیت یکی از خاندان‌های تاجر ایران در دوران قاجار، یعنی خانوادهٔ بابی- بهائی شیرازی/افنان، پرتو افکند، بلکه توانسته

---

[۱۲۶] برای مطالعهٔ این مشکل تاریخ نگاری، بنگرید به
Shahvar, *The Forgotten Schools*, xvi-xxi.

باشد گوشه‌هایی از چگونگی تجارت داخلی ایران، دامنه و شیوه‌های فعالیت‌های تجار، روابط ایشان با دولت و قدرت‌های خارجی به دست دهد و تصویری از شخصیت‌های شاخص و کوشای تجارت ایران را چه مسلمان و چه غیرمسلمان و از جمله بابیان و بهائیان و بالاتر از آن، تساهل دینی ایشان را نسبت به یکدیگر نشان داده باشم. همچنین، امیدوارم نظر گروه بیشتری از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران را به نقش تجارت و اقتصاد در توسعهٔ دیانت بابی-بهائی و در نتیجه نشر آثار بهائی جلب کرده باشم.